

مجله فرهنگ و هنر مسیحی

می ۲۰۱۹ - خرداد ۱۳۹۸ - شماره سی و هفت



MAY 2019 / SMYRNA - NUMBER 37TH

www.smyrna-magazine.com

مجله ایمان و فرهنگ مسیحی



می ۲۰۱۹

SMYRNA

PUBLISHED BY JUBAL BAND

روابط عمومی

www.smyrna-magazine.com

Email: Smyrnamagazine@gmail.com

Instagram: [Smyrna_magazine_christian](https://www.instagram.com/Smyrna_magazine_christian)

Facebook: [Smyrna.christian.magazine](https://www.facebook.com/Smyrna.christian.magazine)

Telegram: [smyrna_magazine](https://www.telegram.me/smyrna_magazine)

TEL : (+1) 770 268 91 76

همیاران اسمیرنا

ادموند، ادیسون، آرزو، ارمیا، استیو، الهه، بهزاد، بهنام، جواد، جیمز، یاشار، مصی، داوود،

زهرآ، سمیه، ندا، حمیدرضا، مرمر، فرناز، کاوه، مایا، فرشید، مریم، مسعود، نازیلا، میلاد

Copyright © 2019 by Jubal Band

«یوبال باند» گروه فرهنگی و هنری مسیحیان ایرانی و فارسی‌زبان می‌باشد.

مقالات، مطالب، دلنوشته و شهادت‌های خود را برای درج در مجله اسمیرنا برای ما ارسال فرمایید. اختیار ویرایش و خلاصه کردن مقالات با هیأت تحریریه مجله می‌باشد. ناشران مجله از درج مقالات و نکاتی که حاوی مطالب اهانت‌آمیز به کلیساها، ادیان دیگر و یا گروه‌های سیاسی باشد، معذورند. مقالات مندرج در این مجله الزاماً نظریه ناشران مجله یا موسسه‌ی یوبال باند نیست. کلیه حقوق مربوط به آثار نوشتاری و گرافیکی و دیگر محتویات این مجله به طور کامل متعلق به گروه یوبال باند می‌باشد، و هر گونه استفاده بدون مجوز کتبی از طرف مدیر مسئول، غیر قانونی و قابل پیگیری می‌باشد.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول

امید سبوکی

سردبیر

عیسی

صفحه پردازی:

احسان سبوکی

طراحی صفحات:

المیرا عزیزی، امید سبوکی

طراحی جلد:

المیرا عزیزی، امید سبوکی

ویراستار:

حسین سکاکی



سر مقاله
بالمایت را خواهر یافت

خبر
از گوشه کنار جهان

رسم شاگردی...
بالمای فروافتاده

مصاحبه ...
خانواده زیر طلیب

فرهنگ و هنر...
نقش و نگار

بررسی فیلم ...
گرینچ

فیلم ایرانی...
به وقت خماری

معرفی کتاب
خوب یا خدای؟

سبک زندگی...
سلامتی مو

آشپزی ...

کیک کشمشی

سلامتی در بدن...
راه رهایی

کلیسا...
کانون شادی

صفحه روز ...
حمله ملخها

تکنولوژی...
پرچمداران تلفن همراه

کلیسا...
من یک زن هستم

افق دعا ...
استان لرستان

دور و نزدیک ...
دلنوشته

سرگرمی و خلاقیت...
تک کلمه‌ای

بالمایت را خواهم یافت...

در سختی و جفا، زمانی که دشمنی نه از جنس جسم و خون در حاکمیت خویش
رخنه کرده، به من گوش بسپار...

شاید گوش‌هایم سنگین شده است... شاید هیاهو و فغان ناگفته‌ها گوش‌هایم را از
شنیدنت مانع شده و ترس از اطرافیان و نزدیکان دشمن زده و یا شکایت‌ها و ناله‌های
رنجم سینه‌ام را بدرد آورده است...

کاش مرا بال‌های کبوتر بود... بر بال‌هایت خواهم نشست و ثمرات تو را بکار خواهم
برد. پرهای نیکویی که رج به رج بال‌هایت را به ارمغانم آورده‌اند... چشیدن محبت
بی‌ماندنت... شادی در تو... آرامشی نه از جنس این عصر... صبر و مهربانی و نیکویی
تو که برایم صبور بودی و با مهربانیت به انتظار سوی نیکویی در من نشسته‌ای...

وفاداری و فروتنی و خویشتنداری در عمق شناخت تو خواهد بود... مرا بر این پرها و
این بال‌ها بنشان تا در تو به پرواز درآیم و فرسنگ‌ها از این هیاهو و دنیای تاریک
و افکارش فاصله و اوج بگیرم... جایی که نه صداهای این دنیا و نه نفس سرکشم بلکه
صدای تو نخستین در گوش‌هایم باشد و نوازش آرامی‌ات، دل‌هایم را غرق در اطمینانت
سازد.

بال‌هایت را می‌خواهم تا سوار بر این ثمرات در من، بیاسایم و به دور دست‌ها از
دسیسه‌های این عصر و طوفان‌های زمانه در پناهگامت بیارامم...
بال‌هایت را می‌خواهم...

برگرفته شده از مزمور ۵۵
امید سبوقی

بالمایت را خواهم یافت



روز یکشنبه همزمان با مراسم عید پاک در سریلانکا، مسیحیان درحال برگزاری مراسم بودند که ۸ انفجار در هتل‌های مجلل و کلیساها سبب کشته شدن بیش از ۳۲۰ تن و زخمی شدن ۵۰۰ نفر انجامید. این حملات به صورت انتحاری بود. در میان این کشته شدگان تعداد زیادی اتباع خارجی نیز به چشم می‌خورد و بسیاری از این اجساد نیز قابل شناسایی نیستند. پلیس سریلانکا اعلام کرد تاکنون ۲۴ نفر در ارتباط با بمب گذاری دستگیر شده‌اند.

روز سه شنبه ۲۳ آپریل گروه اسلامی داعش مسئولیت این حملات را در کلمبو پایتخت سریلانکا به عهده گرفت. وزیر دفاع سریلانکا نیز این حملات را نوعی تلافی و واکنش نسبت به کشتار مسلمانان در مسجد در نیوزلند می‌داند. به گفته مقامات امنیتی سریلانکا، دو تن از مهاجمان انتحاری برادر و عضو جماعت ملی توحید بوده‌اند که از اعضای خانواده خود یک هسته تروریستی ایجاد کرده‌اند. آنها کمتر از ۳۰ سال سن داشته‌اند و

پدر آنها یک تاجر ادویه‌جات است. آنها صبح یکشنبه در صف صبحانه در هتلی خود را منفجر کردند. با هم نگاهی به واکنش رهبران جهان نسبت به این خشونت می‌کنیم.

پاپ فرانسیس رهبر کاتولیک‌های جهان نیز در خطابه‌ی روز عید پاک خود با مردم سریلانکا ابراز همدردی کرد. وی که در میدان سنت پیتر واتیکان سخن می‌گفت اعلام کرد: «با درد و اندوه خبر این حملات شدید را دریافت کردم که امروز و در عید پاک، برای مردم حاضر در کلیساها و چند مکان دیگر در سریلانکا رنج و ماتم به همراه داشته است»؛ او ابراز همدردی کرد و گفت: مایلم نزدیکی صمیمانه خود را به جامعه مسیحیان این کشور، و تمامی قربانیان این خشونت بی‌رحمانه اعلام کنم.

کنگره جهانی یهودیان نیز در بیانیه‌ای این حملات را محکوم کرد. در این بیانیه آمده است: کنگره جهانی یهودیان، با همه مردمان متمدن، این بی‌حرمتی ظالمانه را، که از سوی کسانی صورت گرفته که از ترور برای پیشبرد اهدافشان سود می‌جویند، شدیداً محکوم می‌کند. دونالد ترامپ رئیس جمهوری ایالات متحده نیز از سوی مردم کشورش به مردم سریلانکا تسلیت گفت و از آمادگی کشورش برای کمک به سریلانکا خبر داد.

ژان کلود یونکر، رئیس کمیسیون اروپا نیز نوشت: با وحشت و اندوه از بمبگذاری‌ها در سریلانکا با خبر شدم. تسلیت خود را تقدیم خانواده‌های قربانیانی می‌کنم که برای نیایش و یا بازدید از این کشور زیبا در این مکان‌ها حضور داشتند.

فدریکا موگرینی، رئیس کمیسیون سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز در این رابطه اعلام کرد: چنین اعمال خشونت‌باری در این روز مقدس، خشونت ورزیدن علیه تمامی اعتقادات است.

آنگلا مرکل صدراعظم آلمان نیز طی نامه‌ای به رئیس جمهور سریلانکا تسلیت گفت. وی نوشت: بهت‌آور است که مردمی که برای بزرگداشت عید پاک گردآمده بودند اینچنین شریانه هدف حمله‌ای حساب شده قرار بگیرند.

ترزا می، نخست وزیر بریتانیا نیز با قربانیان و بازماندگان حملات



روز یکشنبه سریلانکا ابراز همدردی کرد. وی در تویتر خود نوشت: «اعمال خشونت‌باری که در چند کلیسا و هتل سریلانکا صورت گرفته هولناک است». وی افزود که باید در کنار یکدیگر ایستاد تا اطمینان حاصل کنیم که «هیچکس دیگر با ترس» به امور مذهبی خود نپردازد.

امانوئل ماکرون، رئیس جمهوری فرانسه در توییتری از اندوهی ژرف در پی حملات تروریستی علیه کلیساها و هتل‌ها در سریلانکا سخن گفت و این حملات را به شدت محکوم کرد. وی همچنین با مردم سریلانکا و قربانیان این حملات ابراز همدردی و همبستگی نمود.

مطمئناً خبر این حادثه و اخبار واکنش‌های جهانی به گوش شما رسیده، اما هدف اسمیرنا از پرداختن به این خبر و واکنش‌ها نه فقط اطلاع رسانی بلکه اعلام همبستگی در دعا با مردم و آسیب دیدگان این فاجعه خشونت بار است و این محقق نمی‌شود مگر با دعای ایمانداران که تسلی روح خدا به این عزیزان را طلبیده و دعا کنیم قلب تمامی انسانهایی که در گمراهی تصور بر این دارند که با کشتن و ریختن خون هم‌نوع خود کار درستی انجام می‌دهند در محبت و نجات عیسی مسیح لمس شود و دریابند که جنگ ما با جسم خون نیست، بلکه با قدرت‌ها، ریاست‌ها و فوج‌های ارواح شریر در جایهای آسمانی‌ست...

این آتش سوزی که در حدود ساعت ۱۸ در روز ۱۵ آپریل روی داد منجر به فرو ریخته شدن سقف این بنای تاریخی قدیمی گردید.

تاریخچه مناره این کلیسا به نیمه صده دوازدهم برمی‌گردد. حدود ۲۰۰ سال طول کشید تا این بنا کامل شود. این ساختمان که طول پهنای و ارتفاع آن به ترتیب ۱۲۷، ۴۰ و ۳۳ متر است از معماری بی‌نظیری در سبک گوتیک برخوردار است و سالانه بیش از ۱۳ میلیون بازدید کننده داشته است.

به گزارش محبت نیوز عبارت نوتردام (Notre-Dame) از دو واژه نوتر (صفت مالکیت اول شخص جمع) و دام (بانو) تشکیل شده است؛ به معنای «بانویِ ما» است. بانو در این ترکیب، همان مریم باکره است، مادر عیسیای مسیح. «ما» در این ترکیب اشاره به مسیحیان یا ایمانداران دارد، افرادی که با پذیرش «پادشاهی خدا بر زمین» عیسی را به‌عنوان «پسر» خدا بر کره خاکی به رسمیت شناختند.

حدود ۴۰۰ مأمور آتش‌نشانی تا ساعت ۴ بامداد سه‌شنبه برای مهار کامل این آتش سوزی تلاش کردند. در این حادثه به کسی آسیب جانی نرسید، اما بخش‌های مهمی از کلیسا از جمله برج شرقی و قسمتی بزرگ از سقف چوبی آن که به «جنگل بلوط» معروف است از بین رفت.

پس از آن بود که بسیاری از ثروتمندان فرانسه و سایر نقاط جهان برای پرداخت کمک‌های مالی به جهت بازسازی این کلیسای تاریخی اعلام آمادگی کردند که با واکنش‌های اکثرأ تندى در شبکه‌های اجتماعی و آحاد مردم روبرو شد و بسیاری به این موضوع و کمک‌های ثروتمندان اعتراض خود را اعلام کردند.

ما هم به مانند دیگر مردم جهان متأثر شدیم از این حادثه. البته شکرگزاری می‌کنیم از خداوند زیرا که این حادثه خسارات جانی در پی نداشت، و باید بیاد آوریم کلام خداوند را که سنگ‌های زنده و تجمع ایمانداران به مسیح را کلیسا نامیده، نه خشت و سنگ و بنای ساختمانی را.



بال‌های فرو افتاده

اسمیرنایی‌های عزیز، شالوم خداوند بر شما باد. سال‌روز بارش روح خداوند بر یاران و شاگردان خجسته باد. عیسی گفت که رفتن او به نفع شاگردان خواهد بود و پس از صعود او به آسمان، روح قدوس خداوند را برای یارانش خواهد فرستاد و این روح، تسلی دهنده، مددکار و یآوری حیاتی و بیاد آورنده کلام و کارهای او خواهد بود. روحی که نه روح ترس بلکه قوت و نظم روحانی خواهد بود. بسیاری از آیات از نماد کبوتر برای روح خداوند استفاده کرده است. نمادی که نه تنها یادآوری پاکی و قدوسیت بلکه آورنده ارمغانی بی‌مانند برای ماست. در مقاله‌ای علمی بر روی اینترنت می‌خواندم که بال‌های کبوتر دارای ۹ پر اصلی در هر بال است که به او قوت پرواز و مهیا شدن اوج گرفتنش در اوست. بنابراین از این موضوع برای یادآوری ثمرات روح القدس مکتوب در غلاطیان باب پنجم بهره گرفتم تا همواره بیاد داشته باشیم این ۹ ثمره ارمغانی است که با روح خداوند در ما به عمل می‌رسد.

همه انسان‌ها به طریقی آفریده شده‌اند که برای جلال خداوند و ملکوت او ثمره آورند و برای پیروزی بر ضعف‌های انسانی و جنگ روحانی هر ایماندار، روح‌القدس درون ما ساکن گردید.

هر روزه با دوری از هم شکل‌شدن با این عصر وارد جنگ‌های روحانی‌مان می‌شویم و در این جنگ‌هاست که دشمن، ثمرات و این محصولات را در ما مورد هدف قرار خواهد داد.

پس در جنگ‌های روحانی مراقب ثمرات و ثمره آوردن باشیم و اجازه ندهیم تا شریر آن را بدزدد، ببلعد و ببرد. ثمرات روح در ما در مقابل شریر و حملات او پیروز خواهند بود چرا که ثمرات، هویت تو را از درون بیان خواهد کرد و اعلان عمیق و قدرتمندی است که در دست هر ایماندار در مقابل شیطان است. پس از آنچه روح خدا به ما داده است و در ما عمل خواهد کرد استفاده کنیم.

محبت، شادی و آرامش سه ثمره نخستین در کتاب غلاطیان هستند. محبتی که با شناخت محبت و بخشش خدا نسبت به شخص در درونش، او را به محبت و بخشیدن دیگران سوق می‌دهد و نه تنها این، بلکه با تمام وجود به تشویق دیگران و حمل بارهای آنها و دعا کردن برایشان آنها را هدایت می‌کند، بطوری که دیگران را خدمت خواهد کرد. در اینجا دیگر «من» و نفس ما انکار خواهد شد و کنترل و زمام آن در دستان ما خواهد بود و این باعث لمس و چشیدن شادی واقعی و درونی حتی در مشکلات و سختی‌ها خواهد بود و این شادی حقیقی ارمغان و ثمره‌ای بنام آرامی و آرامش درونی در قلب‌هایمان خواهد بود، چنانچه در پولوس و شاگردان آن را می‌بینیم که در اوج جفا و زندان‌ها آرامش عمیقی را ملبس هستند.

شادی واقعی در نجات جان‌ها و صید کردن جان‌ها برای مسیح قدم برمی‌دارد و این شادی قدرت گرفتن و آزاد سازی این آرامش درونی را میسر خواهد کرد.

صبر، مهربانی و نیکویی سه ثمره دوم نامبرده شده در کتاب غلاطیان باب پنجم هستند. یادآوری کار عظیم خداوند برای ما و دریافت این محصول از روی فیض برای تک به

تک انسان‌ها، ما را به حرکت در مسیر این ثمرات سوق خواهد داد.

صبر نمادی از کاشتن و آبیاری و رسیدگی به زمین و بذرهايمان تا ببار آید و صدها برابر نیکویی را به ارمغان آورد. در کتاب جامعه می‌خوانیم که همه چیز بدون خداوند و روح او باطل است. ما فراخوانده شده‌ایم تا مانند نور و نمک او باشیم. تاثیرگذار هستیم و طعم زندگی در این عصر را برای خود و دیگران عوض خواهیم کرد ولی همه این مهم با میوه و ثمره صبر به ثمر و بار خواهد رسید. بیاد بیاوریم صبر خداوند برای خود ما و یا حتی صبوری اطرافیانمان وقتی بیمار و یا در سختی و مشکلی بودیم. وقتی قنطار و آنچه خداوند به ما سپرده است را می‌کاریم، رسیدگی و صبر آن را به بار خواهد رسانید. در سختی‌ها و فشارها شریر در کمین است تا این ثمرات را ببلعد و بدزدد، پس به او اجازه ندهیم بلکه از خداوند بطلبیم چرا که او جویندگان را پاسخ خواهد داد. این صبوری مهربانی و در ادامه نیکویی و اراده خداوند را به ثمر خواهد رسانید. وقتی در صبر قدم بر می‌داریم طبق نقشه‌های خداوند و با شنیدن صدای او حرکت خواهیم کرد و اراده او چیزی جز نیکویی کامل و پسندیده او نخواهد بود.

وفاداری، فروتنی و خویشتنداری در دسته سوم از این ثمرات قرار دارند. اگر به روح رفتار کنیم ثمرات روح در ما پدیدار خواهند گشت. روحی که وفادار حتی در اوج بی‌وفایی‌های ما ایستاد و بدنبال فرزند گمشده حتی جان خود را فدیة نمود تا ما حیات داشته باشیم. شروع ثمرات از خداوند است و حال از ما نیز می‌خواهد آنچه را در او یافته‌ایم از ما به دیگران نیز اثر کند. وفاداری نشانه ایمان

به عمل خداوند در ماست. امید به قدرت او و اطمینانی به وفاداری او. وفاداری از انتقام و تلافی خود را دور نگه می‌دارد و وفادار منتظر نجات و رهایی خداوند خواهد بود آنچنان که حتی در مزموه‌های داوود و قوم خداوند می‌خوانیم. وفاداری به مسیری بنام فروتنی هدایت خواهد کرد به این معنا که تقصیر خود را بپذیریم که نسبت به خداوند گناه کرده‌ایم. در زمان‌هایی که منطقی و سیستم این دنیا انتقام را عکس العمل ما می‌خواند عمل روح خدا در ما گناهکاری ما نسبت به خدای وفادار و فروتن را ی‌آدآور می‌شود. همانطور که مکتوب است «او که هم ذات با خدا بود خود را خالی کرد و ذات غلام پذیرفته، خود را خوار ساخت و تا به مرگ صلیب مطیع گردید.»

وفادار و فروتن شخصی است که رفتار و عملکردهای انسانها جهت او را تغییر نخواهد داد، بلکه چشم خود را به صلیب دوخته و با هدایت روح در او رفتار خواهد کرد. و در ادامه خویشتنداری را ملیس خواهد بود. قدرت کنترل از درون نشانه خویشتنداری حقیقی است. ما مادام می‌خواهیم بیرون و دنیای اطرافمان را تحت کنترل خود در آوریم اما خویشتنداری از درون به بیرون خواهد دمید اگر در روح رفتار کنیم.

یادمان باشد دانه گندم باید بمیرد تا به صدها و هزاران بدل گردد. دانه با ارزش و برکت خود ما هستیم که مسیح جان خود را در راه ما داد. و حال موقع شکستن و آغاز رشد ساقه و نهال است تا برای او ثمره آوریم.

پس در این جنگ‌های روحانی مراقب آن باشیم تا بال‌هایمان فرو نیفتاده بلکه پرواز را تجربه کنیم، آمین. مشارکت روح‌القدس با شما باد.

امید سبوكی

به مادر خود گفت: " بانو، اینک پسر ت " سپس به آن شاگرد گفت: " اینک مادرت " از آن ساعت، آن شاگرد، او را به خانه خود برد .

یوحنا ۱۹ : ۲۷

خانواده ارزیر صلیب

سلامی به همه شما عزیزان اسمیرنایی.

در شماره قبلی با زوجی عزیز همراه بودیم که شهادت ایمان خود را با ما و خوانندگان عزیز به اشتراک گذاشتند. مجدد با این زوج همراه هستیم تا از خدمات این عزیزان در مسیر پادشاهی پیروزمندانه خداوند جویا شویم.

درودی دوباره به شما زوج عزیز. ممنون که بار دیگر وقتتون رو در اختیار ما گذاشتید.

شما یکی از یاران اسمیرنا هستید؛ به عنوان کسی که در اسمیرنا و کلیسا خدمت می‌کنید خدمت خدا را چه می‌بینید؟
یاشار: من هم سلام می‌کنم به شما و خوانندگان عزیز. خدمتی که الان دارم در خود مجله اسمیرنا با خواهر برادرهای دیگرم درمشارکت صفحه آشپزی است و در کلیسا هم در گروه پرستش هستم و خدمت خدا رو می‌کنم. بعضی وقت‌ها ما فکر می‌کنیم ما خودمان تشخیص دادیم که می‌خواهیم خادم عیسی مسیح باشیم ولی بیشتر که عمیق می‌شم می‌بینم این من نبودم که انتخاب کردم و کمی که بیشتر فکر می‌کنم می‌بینم خداوند کارهاش از اول هستی، انجام شده، می‌شه و خواهد شد. خدا خودش رو معرفی می‌کنه می‌گه من هستم آنکه هستم؛ آنکه بود و هست و می‌آید و در نتیجه اراده خداوند همیشه داره پیش میره و خدمت خدا رو من یک فیض می‌بینم که خداوند امروز یک هدیه به من داده تا من هم بتونم سهم کوچیکی توی پیش برد ملکوت خدا داشته باشم، بود و نبود من قطعاً فرقی نخواهد کرد و اگر من نباشم از طریق کسی دیگر، از طریق دستی دیگر و سنگ زنده‌ای دیگر این اتفاق خواهد افتاد، ولی خدا رو شکر می‌کنم که امروز این فیض رو دارم که من هم سهمی توی این خدمت داشته باشم.

شکر برای فیض خداوند. حالا که در اسمیرنا و کلیسا خدمت می‌کنید آیا خودتون و از کسی بالاتر می‌دونید؟

یاشار: قطعاً نه. ولی خب اینطور بگم که شاید طول بکشه که به اینجا برسیم. به این دلیل که ما انسانها هر روز توی افکارمون جنگ داریم، شیطان هر روز با وسوسه‌ها میاد، نفسمون هست و یا غرور و هزاران چیز دیگه همانطور که خود مسیح هم از طریق سه چیز وسوسه شد. وسوسه چشم، جسم، و غرور زندگانی، و یکی از مسائلی که ما همیشه باهاش درگیر هستیم توی همه چیز، وسوسه غرور زندگانی هست، و وقتی توی جایگاهی قرار می‌گیریم همه ما وسوسه خواهیم شد. ولی همه جای کلام مشخص است و برجسته ترینش اینه که مسیح در شب آخر حوله به کمر می‌بنده و پای همه شاگردانش رو می‌شوید و می‌گوید اون که کوچکتره از همه بزرگتر خواهد شد و امروز من می‌تونم اعلام کنم از همه کوچکترم اسم روش هست (خادم خداوند).
آمین که بتونم تا آخر بر این وسوسه پیروز باشم و هیچ وقت غرور سمت من نیاد و بتونم توی همون جایگاهی که هستم(خادم) یعنی اینکه پای بقیه رو بتونم بشورم و اگر برادر و یا خواهری باری داره بتونم کمک کنم بارش رو به پای صلیب مسیح ببره.

المیرا: خدا در ابتدا به من قنطارهای کوچیک داد از تایپ کردن چند خطی در مجله و نوشتن دلنوشته خدمتم شروع شد. آمین که بتونیم همه در قنطارهامون آمین باشیم. واقعاً این فیض خدا بود و خواست که من در این خدمت‌ها باشم تا رشد کنم. خدمت کردن خدا نیاز منه و هر چه بیشتر توی این خدمت پیش می‌رم شاید این خدمت از عرض و طول رشد می‌کنه اما نیازم رو بیشتر می‌فهمم اینکه چقدر باید ارتباط تنگاتنگ با خدا داشته باشم و از او دریافت کنم تا در برابر حملات شریر ایستادگی کنم. خدمتی که در مجله اسمیرنا دارم باعث میشه روی مطالب بیشتر دقیق بشم و برای هر تصویری که پشت صفحات مجله می‌زارم دعا کنم و هر بار که مطالب رو می‌خونم تک به تک کلمات منو به یه قسمتی از زندگیم می‌بره و از بندها منو آزاد می‌کنه. به طور مثال من به دلیل موقعیت‌های جامعه و ضعف‌هام همیشه از اینکه یک زن باشم ناراضی بودم و دوست داشتم که مثل مرد قوی باشم و کارهای مردونه انجام بدم. حتی رشته تحصیلیم رو

برق الکترونیک خوندم، چون یه رشته پسرانه بود. اما خداوند در مشارکت‌های کلیسای اسمیرنا در قسمت کانون شادی و صفحه «من زن هستم» منو به کودکیم برد، جایی که خانواده‌ام دوست داشتند من پسر باشم، البته شاید چون می‌خواستن نام خانوادگیمون ادامه پیدا کنه و کم کم جامعه، مدرسه و... همه چیز من رو به سمتی برد که می‌گفتم «کاش یک پسر بودم، اونوقت چقدر مشکلاتم کمتر بود.» اما خدا این باور اشتباه رو شفا داد وقتی برای اینکه یه زن هستم از خالقم شکرگزاری کردم پر از شادی شدم و بهتر تونستم در نقش یک زن عمل کنم. و خیلی شفاهای دیگه‌ای که شاید به چشم نیاد ولی توی زندگی من خیلی موثر بوده چون هویت‌های ما، فرزند خداوند بودن، در حال دزدیده شدن هست. ولی با این کلام با این تغذیه‌ای که از خدا می‌گیرم توی اون تجهیز می‌شم تا بتونم پیش برم و بتونم در راه بمونم. واقعاً هم خوراکم هست و هم برای رشد. همونطور که همسرم گفت شاید ما خیلی وقت‌ها وسوسه می‌شیم، بعضی وقت‌ها به خودم شاید بگم که خدایا اگر که کسانی دیگه هم خودشون و مشغول خدمت کنند شاید توی مشکلاتشون، نیفتاند، شاید با این دید دلم بخواد مشتاق باشم که همه رو توی خدمت بکشم و همه بیان خدمت کنند، ولی باور اینکه نیاز منه و برای رشد من لازمه درس زیبایی برایم هست که نتونم خودمو از دیگران بالاتر ببینم چون شاید خیلی‌ها نیازشون توی اون قسمت نباشه یا خدا روش متفاوتی براشون در نظر داشته باشه. ولی من برای تراشیده شدن باید در اون قسمت قرار بگیرم و تسلیم باشم.

درسته، همانطور که شما گفتین باید تسلیم خداوند بود تا کارهای عظیمش را ببینیم. خب حالا تو این چند سالی که با اسمیرنا هستید چه تجربه‌هایی کسب کردید؟

یاشار: تجربه‌هایی که داشتم هم شیرین هستند و هم تلخ. خب اسمیرنا هم مثل کلیساهای دیگه نقاط قوت و ضعف خودش رو داشته و بزرگترین چیزی که یاد گرفتم اینه من یه روزی که از ایران خارج شدم پر از نفرت و سرشار از تنفر بودم و شاید حتی هم زبون‌های خودم رو توی خیابون که می‌دیدم سعی می‌کردم مسیرم و عوض

کنم که به اونها کاری نداشته باشم، هم مسیر نشم و یا همزبون نشم و تجربه‌ای که من اینجا کسب کردم این بود که چطور محبت‌ها و شفاهایی که اومد سمتم، و چطور من می‌تونم با عزیزان دیگه باشم و بتونم با همزبون‌های خودم و کسانی که نمی‌شناختم و حالا خواهر و برادرهای من شدن؛ شاید همه ما اعضای خانواده‌ای داریم توی سرتاسر دنیا، ایران، آمریکا، ترکیه و خیلی جاهای دیگه، ولی امروز ما توی کلیسایی که هستیم می‌تونم بگم تک به تکمون همدیگر رو خواهر و برادر می‌نامیم. واقعاً در روح این اتفاق برای ما افتاده و هممون با جون و دل برای همدیگه قدم برمی‌داریم. بهترین تجربه‌هام مشارکت‌هایی که داشتیم بوده؛ شبانمون همیشه ما رو تشویق کرده برای اینکه توی مشارکت باشیم و یکی از مسائلی که برای من خیلی برجسته بوده اطاعت کردن از سر کلیسا مسیح است؛ اطاعت کردن، مشارکت کردن و در کنار هم بودن بزرگترین تجربه‌هایی بوده که می‌تونم ازشون نام ببرم. بزرگترین چیز اینه که ما انسان‌ها در کنار هم توی محبتی که از خدا می‌گیریم بتونیم با همون محبت که منشأش خداونده در کنار هم زیست کنیم و نام خدا رو جلال بدیم. فکر می‌کنم این بزرگترین چیزی هست که ما می‌تونیم داشته باشیم.
المیرا: تجربه من هم در این روزهایی که با اسمیرنا قدم به قدم رفتیم دقیقاً برکت همین مشارکت‌ها بود، و همین که بتونم خودم رو ببینم. شاید قبلاً یک فروتنی داشتم که کاذب بود و پر از غرور، پر از منم‌ها بودم ولی خداوند از طریق اسمیرنا، شبان اسمیرنا، تک به تک بچه‌ها، و تک به تک صفحات مجله من رو برکت و رشد داد؛ تجربه من رشدی که قدم به قدم با مسیح دارم برمی‌دارم و ضعف‌هامه که به قوت تبدیل می‌شه و نه تنها رشد در قسمت روحانی بلکه در یادگیری برنامه‌های کامپیوتری و حتی نوشتن که هیچی بلد نبودم آرزوش و داشتم و خیلی چیزها که رها شده استفاده نشده بود که الان به کار گرفته شده و مهم‌تر از همه اینکه خدا از طریق اسمیرنا سال‌های ملخ خورده ما رو به ما بازگردوند . ایمان دارم که هر کلیسایی که سرش مسیح و در خداوند پیش می‌ره کارش تبدیل قلب مشتاق .
یاشار: دقیقاً همین طور، منم می‌خواستم اشاره کنم به این که همه جا ضعف‌های و قوت‌های خودش رو داره، ولی به قول پولس که می‌گه



به ضعف‌هایم فخر می‌کنم چون جلال خدا در آنها آشکار میشه بله این فخرِ منه که ضعیفم ولی خداوند چطور قدرتمندانه در زندگیم کار می‌کنه، این بزرگترین تجربه‌ای است که دارم.

المیرا: دقیقاً پیام مسیح به کلیسای اسمیرنا این بود که از سختی‌ها و فقر تو آگاهم با این همه ثروتمندی، خدا رو شکر که در خداوند این کلیسا ثروتمند هست.

در طول این مسیر خدمتی کجاها برای شما خیلی سخت بوده و حملات شریر رو شدیداً احساس می‌کردید؟

یاشار: به قول شبان عزیزمون زمانی که می‌ای در گروه و لشکر خداوند سیل شیطان می‌شی؛ قطعاً ما هم از این مستثنی نبودیم. هر روز که افکار و نگاه ما بخاطر ضعف‌های جسمانی که داریم از مسیح برداشته شده دقیقاً همون جا بوده که شیطان خیلی راحت می‌تونسته حمله کنه؛ چند وقت پیش داستانی شنیدم که شبانی به شخصی لیوانی آب می‌ده و بهش می‌گه برو داخل کلیسا راه برو و تمرکز اون شخص به روی لیوان می‌ره که آب از اون لیوان نریزه و نگاهش رو از مردم برمی‌داره؛ این داستان برای من خیلی پر برکت بود. ما زمانی وارد کلیسا می‌شیم هممون

ضعف داریم؛ توی پوشش‌مون، رفتارمون، گفتارمون، کردارمون؛ هممون انسانیم و پر از ضعفیم. شاید اگر احساس می‌کنیم ضعف هم نداریم رفتارهامون استاندارد کسی دیگری که کنار ما هم هست نباشه؛ شاید من خیلی دارم خوب رفتار می‌کنم ولی استاندارد کس دیگه‌ای که کنار من هست نباشه، چه پوشش و چه رفتارم و واقعاً توی کلیسا متوجه شدم که زمانی وارد کلیسا و یا هر جایی می‌شم بجای قضاوت کردن و نگاه کردن به دیگری نگاهم به عیسی مسیح باشه.

من به صورت حضوری با شبانم زمان کمی رو گذروندم، چون وقتی ایشون رو شناختم خیلی زود به علت مهاجرتشون از هم جدا و دور شدیم. ولی به یاد دارم اکثر مواقع توی مراسم که بودیم می‌دیدم که ایشون چشم‌شون بسته است و در دعا هستن؛ امروز توی این چند هفته یا چند ماهه اخیر خیلی دارم به این موضوع فکر می‌کنم و بعضی مواقع وقتی تو جمع نشستیم دوست دارم چشمانم رو ببندم؛ واقعاً احساس می‌کنم که وقتی چشمم و می‌بندم افکارم به یکی از وسوسه‌ها بسته می‌شه، متأسفانه یکی از وسوسه‌ها وسوسه‌ی چشم هست و آمین که واقعاً بتونیم همواره نگاهمون به خودِ مسیح باشه.

المیرا: من هم درمورد حملات شیطان خیلی حرف دارم. دقیقاً همونطور که همسرم گفت تا زمانی که در لشکر شیطان هستیم کاری با ما نداره ولی وقتی که پا به خدمت کردن و رشد می‌گذاریم و یا حتی زمانی که می‌خوایم ایمان بیاریم شیطان دست و پا می‌زنه که به جوری ما رو از مسیر منحرف کنه، نگاهمون رو بدزده و به کاری کنه که ما تمرکزمون رو از روی مسیح برداریم. توی این حملات واقعا شبانم لحظه به لحظه کنارم بوده، با اینکه از ما دوره ولی لحظه به لحظه کنار ماست. توی خدمت معلم و مشوقم بوده، خیلی وقت‌ها برام ایستاده و من رو همراهی کرده تا بتونم از این تلخی‌ها و سختی‌ها عبورکنم و بدونم که کجاها «من» المیرا بیرون زده و اجازه نمی‌ده تا قیام مسیح رو بچشم.

بله هر موقع می‌بینم که این حملات برای من پُر رنگ می‌شه دقیقاً جایی هست که بیشتر توجه روی خودم تا روی مسیح. وقتی تو این مسیر در مشارکت هستم بیشتر می‌تونم به پای مسیح بچسبم و نگه داشته بشم. خیلی راحت‌تر می‌تونم از این حملات عبور کنم. به زیون آوردم، اعتراف کردن، شکرگزاری کردن، از بهترین شمشیرهای من بوده تا بتونم از این حملات عبور کنم. آمین که تک به تک خادمین خداوند با اشتیاق به خدا و با شوق آتشی که خدا در درونشون ایجاد می‌کنه، مثل همون بوته‌ی سوزانی که خداوند ایجاد کرد تا موسی رو به سمت خودش جلب کند تک به تکمون نگاهمون به سمت خدا برگرده و از این جرقه‌ها که خدا در زندگیمون ایجاد می‌کنه به سادگی نگذریم؛ به اون بوته‌های سوزان چشممون رو بدوزیم تا حملات شریر نتونه هیچ آسیبی برسونه. آری حتی اگر از تاریک‌ترین وادی نیز بگذریم از بدی نخواهیم ترسید چون خداوند با ماست.

خدا را شکر برای این برکت‌ها و شهادت‌هایی که با قلب مشتاق از خداوند دریافت کردید. در آخر اگر حرفی برای خوانندگان دارید می‌شنویم؟

یاشار: خدا رو شکر می‌کنم برای اسمیرنا و تمام اسمیرناها و کلیساهایی که دارن امروز کار خدا رو انجام می‌دن. دعای برکت دارم برای تک به تک مجموعه‌ها، کتاب‌ها، تمام فصل نامه‌ها و ماه نامه‌هایی که در اراده خدا نوشته می‌شن تا به در خونه‌ها برسه و صید کنه جان انسان‌ها رو؛ همانطور که مسیح به پطرس گفت که من می‌خواهم صیاد جان‌ها باشی. همونطور که در مصاحبه ماه قبل اشاره کردم هیچ چیزی جذاب‌تر و جالب‌تر از این نیست.

خیلی چیزها توی زندگی برام خسته کننده شده بود و خیلی مسیرم رو توی زندگی عوض کردم ولی صید جان‌ها و نجات دادن آدم‌ها و بشارت دادن؛ زمانی که می‌بینم کلام خدا وارد زندگی فردی می‌شه چطور زندگی شخص رو دگرگون می‌کنه؛ کسانی که گوششون بازه و خدا می‌خواد لمسشون بکنه و امروز خدا خوندتشون؛ وقتی کتابی رو به دستشون می‌رسونی و یا مجله و کلامی از خدا رو به گوششون می‌رسونی و زندگی اون شخص دگرگون می‌شه اونجاست می‌فهمی

منظور عیسی مسیح از گفتن اون حرف به پطرس چی بوده. امروز به همه خوانندگان می‌گم که از هیچ چیزی نترسید؛ بیایید تعصباتمون رو و اون چیزهایی رو که شاید به ما به صورت ارثی رسیده و فکر می‌کنیم که ما اونجوری به دنیا اومدیم و همونطوری هم باید از دنیا بریم رو کنار بگذاریم، واقعاً کلام خدا رو که می‌شنویم با آغوش باز بگیریم، بشنویم و روی اون فکر کنیم. کلام خدا رو بخونیم، روی اون تامل کنیم تا بهتر درک کنیم و اجازه بدیم خداوند وارد بشه و زندگی‌های ما رو دگرگون کنه. خدا رو شکر می‌کنم برای تک به تک خادمینی که دارن تو قسمت‌های دیگر هم فعالیت می‌کنن، برکت خدا با تک به تکشون باشه چه در این کلیسا چه در کلیساهای تمام دنیا به هر زبان و نژادی که هستن.

المیرا: من هم به نوبه خودم دوست دارم که خواننده‌های عزیز مجله رو تشویق کنم تا هر چیزی که دارن رو به حضور خدا بیارن، هر چیزی که حتی فکر می‌کنید خیلی بی ارزش؛ خداوند برای تک به تک ما و مرواریدها و گنج‌هایی که خودش به ما بخشیده بها پرداخت کرد، روی زمین اومد و جون خودش رو داد، او تاریکی‌ها و زشتی‌های ما رو ندید، گرچه ما نالایق بودیم ولی به ما محبت کرد، پس کوچک‌ترین کار ما و کوچک‌ترین استعداد ما برای خداوند با ارزش هست. بیایید ما هم این استعدادها رو هر چند کوچک و هر چقدر که دنیا اومده زده تو سرش و اونها رو هی خفه کرده به حضور خدا بیاریم، چون من مطمئنم و خودم چشیدم و می‌دونم که خدا برکت می‌ده و خودش اونها رو به کار می‌گیره و لذت و شادی اینکه خداوند این استعدادها رو بکار بگیره خیلی متفاوت‌ه، با زمانی که دنیا بکار می‌گیره. تشویقتون می‌کنم که بیایید هر آنچه که داریم رو برای خداوند بگذاریم و ثمراتش رو توی زندگیمون بچشیم. پیروزی خداوند با تک به تکتون باشه، آمین.

شکر برای وجودتون، آمین که با قوت روح‌القدس پایدار و پیوسته در مسیر خدمتی و زندگی در عیسی مسیح پیش برید؛ شما را به دستان امنِ عیسی مسیح می‌سپاریم.



این اثر بر اساس کتاب داوران باب ۱۶ آیات ۲۵ به بعد نقش بست. در این اثر زیبا کوتوله‌هایی دیده می‌شود که هر کدام با طنابی دستان و پاهای شمشون را در بند دارند و مانع حرکت او می‌شوند و به نوعی او را کنترل می‌کنند. شمشون که در دعا بار دیگر قدرت می‌یابد و معبد و مردمان در آن را ویران و نابود می‌کند که نماد آزادی از همه بندها و اسارت‌ها در خداوند است. بندهایی که شاید هر کدام از ما را نیز در کنترل قرار دارد و یا حرکت و رشد ما را مانع شده‌اند. آمین که با هدایت و رهبری خداوند این آزادی را در مسیح درک کنیم و از قفس‌های خود خارج شویم.

این اثر زیبا در موزه هنری سلطنتی شهر آنتورپ در بلژیک نگهداری می‌شود.

درودی بیکران بر همراهان و هنر دوستان اسمیرنا. پنطیکاست و جاری شدن روح خداوند بر شاگردان مسیح مبارک. آمین که از شاگردان او و دریافت کنندگان فیض عظیم او باشیم.

با نقش و نگار همراه شویم:

یان استین نقاش و هنرمند هلندی در سال ۱۶۲۶ قرن هفدهم می‌زیست. استاد او نیکلاس کنوپفر نقاش برجسته آلمانی است که در آثار شاگرد خود آموزه‌ها و هدایتش جاری است. تابلوی «**ریشخند کردن شمشون**» یکی از آثار بسیار زیبای یان استین است که در سال ۱۶۷۰ به اتمام رسید. این اثر رنگ و روغن به تمسخر کردن و ریشخند کردن شمشون که حال چشمان خود را از دست داده می‌پردازد.

« ریشخند کردن شمشون »



اوست و نمی‌شود او را با هر روش و فکری پرستش کرد. در این اثر می‌بینیم که هر شخص مشغول بر افکار و سرگرمی خود است و دسته بندی در جمع بسیار برجسته جلوه می‌کند و حتی عده‌ای در رقص و شادی در اطراف گوساله طلایی در حال پایکوبی هستند و حتی لباس کاهن که هارون آن را بر تن دارد نمادی از رهبرانی است که بدون هدایت خداوند و رهبری و شاید با فشارهای اطرافیان دست به عملی بدور از نقشه و اراده خداوند می‌زنند را به تصویر کشیده است. در این واقعه هنوز هارون به عنوان کاهن انتخاب نشده بود ولی یادآوری هارون در لباس کهانت نشانه از رهبری بدون مسح خداوند را دارد.

این اثر زیبا در موزه هنر کارولینای شمالی-آمریکا نگهداری می‌شود.



« موسی و تاج فرعون »

موسی و تاج فرعون: اثری دیگر از این هنرمند هلندی که در سال ۱۶۷۰ بر اساس باب چهارم خروج نقش بست. موسی به فرمان خداوند با فرعون سخن گفت تا اجازه دهد قوم خدا از مصر برای پرستش یهوه بروند. فرعون هر بار از این مهم امتناع کرد و بلاهایی که خداوند بر مصریان جاری کرد تا قوم او بدانند که خداوند حقیقی و زنده نه خدایان مصر بلکه یهوه است و بس.

در این تابلو همانطور که از اسم آن مشخص است تاج فرعون بر زمین

افتاده که نمادی از قدرت نداشتن فرعون در مقابل پادشاه آسمانی و خداوند است. ضعف و پریشانی فرعون که در اوج قدرت بر تخت پادشاهی نشسته در مقابل خداوند و قدرت بی‌مانند او بخوبی برجسته است و سخنان و رفتار اطرافیان و مردم در دنیای سقوط کرده در این اثر بسیار قابل تأمل و گفتگوست.

این اثر زیبا در موزه مائیتشویس در شهر لاهه نگهداری می‌شود.

« پرستش چوپانان »



پرستش چوپانان: اثری دیگر از یان در سال ۱۶۶۰ که بر اساس انجیل لوقا باب دوم نقش بست.

در این اثر ملاقات با عیسی نوزاد را به تصویر می‌کشد که تاملی بر حیوانات و کودک هیزم بدست که در پی بدست آوردن شیر و برکت زمینی است در مقابل چوپانانی که با هدایت فرشته به ملاقات عیسی و پرستش او آمده‌اند خالی از برکت نخواهد بود.

این اثر در موزه آمستردام نگهداری می‌شود.

امید سبوكي



گرینچ

شناسنامه فیلم:

این انیمیشن محصولی از کشور آمریکا است که در ژانر فانتزی، موزیکال در سال ۲۰۱۸ ساخته شده است. بازیگرانی همچون بندیکت کامبریج، راشیدا جونز و فارل ویلیامز برای صداگذاری این فیلم نقش آفرینی کرده‌اند. همچنین نویسندگی این اثر زیبا، پر معنا و پر از پرکت را نیز فارل ویلیامز بر عهده داشته است.

خلاصه فیلم:

آقای گرینچ مردی ست سبزه‌پوش ساکن شهر حوویل. مردی که تلخی‌ها زندگی او را نیز تلخ کرده و او را به سمت تنهایی و انزوا کشیده بود. این فیلم داستان شهری است که همه ساکنان آن پر از محبت خدا و عشق در کنار هم می‌زیستند و هر ساله جشن کریسمس را به طوری خاص برگزار می‌کردند. شهردار شهر اعلام می‌کند که در سال نو می‌خواهد کریسمسی سه برابر نورانی‌تر و تشریفاتی‌تر برگزار کند و مردم همه از این موضوع خوشحال هستند به غیر از آقای گرینچ.

آقای گرینچ از این همه مشارکت، خوشحالی، خنده و دعا متنفر است و در تصمیمی می‌خواهد کریسمس را از ساکنین این شهر بدزدد و در این مسیر با اتفاقاتی روبرو می‌شود...

بررسی فیلم:

گرینچ شخصیت به ظاهر اخمو، بد جنس و بد اخلاق داستان معرفی می‌شود ولی نویسنده و راوی ما را به سفر در گذشته و کودکی او می‌برد تا کمبودها و بی‌محبتی‌هایی که نسبت به گرینچ شده است را دریابیم و او را سریعاً قضاوت نکنیم.

از همان ابتدای فیلم دختر کوچک قصه ما وقتی با کودکان دیگر در حال گفتگو و بازی است کلید واژه این فیلم را به ما می‌دهد. «وقتی مشکلی برای یکی از شما پیش بیاید مثل این است که آن مشکل برای من بوجود آمده و برای رفع آن کنار تان هستم.» گرینچ از بی‌حکمتی‌ها و مشکلاتی که در کودکی برایش رخ داده است دچار نابینایی محبت شده است. او از اینکه می‌بیند اهالی شهر خوشحال و شاد هستند و به هم هدیه می‌دهند رنج می‌برد، چون زخمی عمیق و چرکین از گذشته با خود حمل می‌کند.

گرینچ حتی از پذیرفتن همراه خود یعنی سگ کوچکش و گوزن

سورتمه در کنارش ممانعت می‌کند، اما دل او در سوسوی محبت ریشه دارد و بر خلاف ظاهرش آنها را می‌پذیرد.

زمانی که برای اجرای نقشه‌اش هدیه‌ای را در دست می‌گیرد با تمام وجود می‌خواهد آن را باز کند ولی زخم‌های چرکین از گذشته رنج او را بیاد می‌آورد و مانع جاری شدن محبت بی‌حدش به دیگران می‌شود. او نمی‌داند که می‌تواند سمبلی از حقیقت محبت برای دختر بچه‌ای باشد که برای دیدن بابانوئل انتظار می‌کشد.

گرینچ با گوش سپردن به نفس چرکین خود کریسمس و هدایا را می‌دزدد. مردم این شهر وقتی با دزدیده شدن تدارک کریسمس‌شان روبه‌رو شدند با خود گفتند کریسمس در قلب ماست و کسی نمی‌تواند آن را بدزدد، این‌هایی که دزدیده شده تنها یک مشت خرت و پرت است و با شادی و اتحاد برای خواندن سرود و جشن گرفتن کریسمس دستانشان را حلقه زدند. زمانی که گرینچ در کمال تعجب به دهکده نگاه می‌کند، اهالی را در حال خواندن سرود «به خانه خوش آمدی» می‌بیند.

اما دختر کوچک با سخاوت و مهربانیش نور امیدی برای شاد بودن به گرینچ اخمو و غمگین نشان داده بود. گرینچ نمی‌توانست از این نور به سادگی بگذرد؛ تصمیم گرفت حتی با اینکه فرسنگ‌ها از آنها فاصله داشت چشمانش را ببندد و از شادی که آنها داشتند بچشد و با گوش دادن به سرود و سپردن خودش، قلب او بزرگ، بزرگ‌تر و بزرگ‌تر شد و تبدیل در او اتفاق افتاد.

این انیمیشن زیبا از شادی با ما سخن می‌گوید که در قلب‌هاست؛ در دستان خداوند. جایی که دزد نمی‌تواند آن را بدزدد. اتحاد و محبت بین افراد خوشبین این شهر بیانگر ثمره روح خداست که در بین آنهاست و هر کس به هر دلیل و شکلی حتی برای خراب کردن روز کریسمس آنها، به میانشان بیاید از محبت تاثیر گرفته و دگرگون خواهد شد.

محبت بردبار و مهربان است؛ محبت حسد نمی‌برد؛ محبت فخر

نمی‌فروشد و کبر و غرور ندارد. رفتار ناشایسته ندارد و نفع خود را نمی‌جوید؛ به آسانی خشمگین نمی‌شود و کینه به دل نمی‌گیرد؛ محبت از بدی مسرور نمی‌شود، اما با حقیقت شادی می‌کند. محبت با همه چیز مدارا می‌کند، همواره ایمان دارد، همیشه امیدوار است و در همه حال پایداری می‌کند.

(اول قرن‌تیا ۱۳: ۴-۷)

ثروت مردم این شهر محبت خداوند بود. گنج

ما چیست و در کجاست؟

وقتی مردم شهر گرینچ را با آغوش باز

پذیرفتند او متوجه شد که از تنهایی

متنفر بوده نه از کریسمس.

این دهکده سمبلی از قوم خداوند و

کلیسا به معنای هر یک از ما

است. برای مشکلات هم

دعا کنیم و با محبت

خداوند برای آن قدم

برداریم. یکدیگر را با

کرده‌هایمان قضاوت

نکنیم، چرا که

زخمی عمیق مانع رشد

و جاری شدن محبت

خداوند از قلب‌ها شده است،

بلکه یکدیگر را به محبت خوش

آمد بگوئیم و زخم‌های یکدیگر را

در حضور مسیح مرهم بنهیم.

تیم فیلم اسمیرنا

The GRINCH

به وقت خماری



شناسنامه فیلم:

«به وقت خماری» فیلمی به کارگردانی محمد حسین لطیفی است. لطیفی که در کارنامه هنری سنگین خود در زمینه کارگردانی و تهیه کنندگی نیز فعالیت داشته است اثری قابل تامل، کمی هوشمندانه و دارای هدف را بار دیگر به جا گذاشته است. با نگاهی به فیلمهای توفیق اجباری، دختر ابرونی، روز سوم، خوابگاه دختران، عینک دودی و همینطور آثار تلویزیونی همچون: کت جادویی، همسایه‌ها، سفر سبز، وفاء، فرار بزرگ و... قبلاً هوش و استعداد عمیق لطیفی به عنوان رهبر و سکان‌دار این آثار اثبات شده است و اینبار دقایق اول فیلم شما را ملزم و مجاب به دیدن امضاء او در تصویر خواهد نمود و هر گونه مخاطبی را به سالن خواهد کشاند. بازی و نقش آفرینی مهدی فخیم‌زاده، ابوالفضل پور عرب، پوریا پورسرخ، شهره لرستانی و بسیاری از هنرمندان سرشناس دیگر در تاثیر گذاری این اثر بسیار پر رنگ است.

خلاصه فیلم:

خانواده بزرگ و پر جمعیتی در منزلی قدیمی و بزرگ در کنار هم زندگی می‌کنند. اسفندیاری، صاحب این خانه سال‌ها قبل آن را بدست مادر بزرگ این خانواده سپرده است و اجازه اقامت در این منزل را تا زمان حیات مادر به تمام این خانواده داده است. ورود خاستگاری به این خانه و گم شدن اسلحه داماد تشویش و داستان‌هایی را بدنبال دارد، چرا که هر کس بدنبال نگه داشتن زندگی خود است و موفق نیست...

بررسی فیلم:

فیلم از خانه‌ای قدیمی و اصیل اما امانتی و سپرده شده حکایت دارد. از خانه‌ای که هر روز کهنه‌تر و پوسیده‌تر می‌شود و دیوار این خانه مانعی از رشد و رهایی هرکس از زندگی پوچ و خالی. دایی خانواده تمامی عمر و سرمایه و دارایی خود را برای ساخت اتومبیلی هزینه کرده است که حال برای فروش آن دیوار خانه مانع است. در وهله اول کارگردانی نمادی از تولید کننده و ترس و موانع آن صحبت می‌کند.

دایی دیگر خانواده که با خیاطی کردن و دوختن مارک‌های خارجی بر آنها سعی دارد بازار فروش خود را حفظ کند باز هم تاملی بر تولیدات در این خانه و راه کارهای فرار از خفگان را فریاد می‌زند.

جوانی که بدون هدف و گنج در مسیر زندگی به کاشت مواد مخدر پرداخته تا گره زندگی خود را باز کند، هر چند به قیمت خرابی زندگی دیگران.

خاله خانواده که شوهرش برای بدست آوردن موقعیتی با تضمینی که کرده است در زندان است. بنیاد خانواده از میان رفته و تصمیم

گیری در دستان احساسات و آبروی میان کوی و برزن در حال شکل گیری است.

و عموی خانواده که معتاد است و ثمره‌ای است در جلوی چشمان جوان مواد فروش، اما دیواری مانع دیدن حقایق زندگی شده است و هر کس فقط برای بقا می‌جنگد و از ترس افتادن‌ها چشمانشان را بر همه چیز بسته‌اند.

این چهارچوب خانواده‌ای است که در این منزل قدیمی زندگی می‌کنند و با تمام وجود سعی دارند دیوار و منزل را حفظ کنند، حتی اگر به قیمت از دست دادن مادر بیمارشان شود.

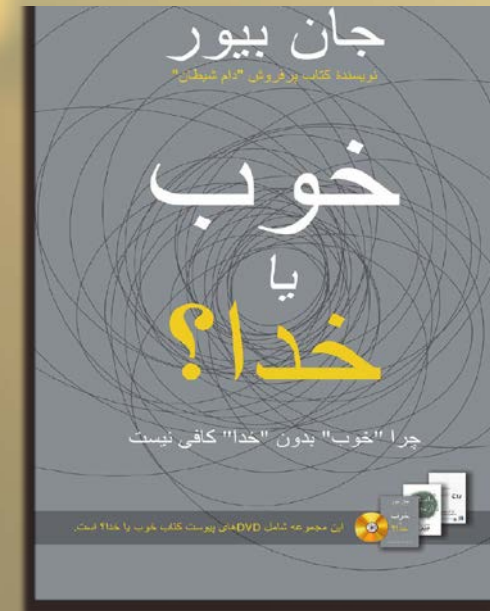
در انتها می‌بینیم قسمتی از دیوار فرو می‌ریزد. در این لحظه عموی معتاد با حقیقت عشق به دخترش مواجه شده است و خاله و شوهرش از پس این دیوار حقیقت خود را می‌بینند.

جایی که نگاه‌ها بر اسلحه‌هاست؛ بر قدرت‌های این زمین. مکانی که هر کدام از ما احتراممان به لباس‌ها، ثروت‌ها و اتومبیل‌هایی است که مردم سوار می‌شوند نه خود آنها. نگاه‌هایی که بر مقام و رتبه‌های انسان‌ها باز است نه بر حقیقت فرزندان خداوند.

آمین که از پس این دیوارهای کهنه فرهنگی، فکری و زخمی بیرون بیاییم و حقیقت مسیح را ببینیم. نفع دیگران را بجوئیم و بارهای یکدیگر را متحمل شویم. زندگی کهنه در گذشته را رها کنیم و به این خلقت تازه و تولد تازه دست یابیم تا محبت بی‌مانند او را زندگی کنیم.

شما را به تامل بر این اثر تشویق می‌کنیم تا با کلید واژه‌های داده شده نگاهی کمی عمیق‌تر بر زندگی و افکارمان بیاندازیم.

امید سبوکی



کتاب «خوب یا خدا؟» جزء آن دسته از کتاب‌های خودآموزی نیست که بخواهد در تغییر بعضی رفتارها به ما کمک کند، بلکه کتابی است که به ما قدرت می‌بخشد تا با خدا وارد سطحی از رابطه شویم که تمام جنبه‌های زندگی‌مان را متحول سازد. در مجله شماره پیشین (۳۶) شروع کردیم به بررسی این موضوع که آیا خوبی و نیکویی کافی‌ست؟! تشویقتان می‌کنم که برای درک بهتر از هدف این کتاب شماره پیشین مجله را مطالعه کنید و در نظم وارد سرفصل‌های جدیدی که معرفی می‌کنیم بشوید.

وقتی از فصل «جی‌پی‌اس درونی» عبور کردیم به فصل «غیور برای ما» رسیدیم

آن قدوس می‌گوید: مرا با که قیاس می‌کنید، تا با او برابر باشم؟ چشمان خود را به اعلی برافرازید و ببینید: کیست که اینها را آفرید؟ کیست که لشگر اینها را به شماره بیرون می‌آورد، و آنها را جملگی به نام می‌خواند؟ به سبب کثرت قوّت و عظمت قدرتش هیچ‌یک از آنها گم نخواهد شد. (اشعیا ۴۰: ۲۵-۲۶)

هیچ چیزی کامل‌تر و سودمندتر از بودن در حضور خدا نیست و جدا

آیا خوبی و نیکویی کافی‌ست؟

از خدا هیچ حکمت، دانش، درک و فهم سودمندی وجود ندارد. جای شگفتی است که انسان می‌تواند در حضور چنین شخصی بایستد. جای حیرت بیشتر دارد که او حتی بیشتر از ما مشتاق و خواستار حضور ماست. آیات بسیاری هست که به غیرت خدا نسبت به ما اشاره می‌کند. تمامی این آیات در مورد رابطه ما با او هستند و این که دوستی با دنیا دشمنی با خداست. نویسنده در این فصل واژه دنیا و استانداردهای آن را برای ما باز می‌کند. او می‌نویسد که اسارت دنیا بیرونی نیست بلکه درونی است، این اسارت در خواسته‌ها، نیت و انگیزه‌های قلب و فکر جریان دارد. درون ما میدان مبارزه است، جایی که تارها تنیده می‌شود، جایی که دوستی یا زنا با دنیا در آن آغاز می‌شود و در نهایت وجود ما را در بر می‌گیرد. این اتفاق می‌تواند هم برای فردی که بندرت در جلسات کلیسا حاضر می‌شود و هم برای شخصی که هرگز هیچ جلسه‌ای را از دست نمی‌دهد و به سختی مشغول خدمات کلیسایی است، رخ دهد.

نویسنده به معنای دوستی و قدم‌هایی که آرام آرام توجه ما را از خداوند برمی‌دارد اشاره می‌کند. این که دوستی با دنیا از یک مشارکت ساده اتفاق می‌افتد اما به این می‌انجامد که ما بین دنیا و خدا، دنیا را انتخاب می‌کنیم و چه اندوه فراوانی که باعث ناراحتی کسی می‌شویم که جانش را برای ما داد و ما این کار را با آگاهی و عشقی که به خدا داریم انجام می‌دهیم.

اندوه برای خدا یکی از ثمرات این رابطه شکسته شده می‌باشد و این اندوه به نجات می‌انجامد و در اثر انکار نفس پدید می‌آید.

اما در اثر دوستی با دنیا شاید همچون شائل دچار اندوه شویم، اندوهی که از، از دست دادن جایگاهمان میان مردم است و این اندوه است که به نجات نمی‌انجامد، زیرا خداوند از انگیزه‌های ما آگاه است. در این کتاب طبق روال در هر موضوع، نویسنده ابتدا با مثالی از کتاب مقدس شروع می‌کند و از ادامه از تجربه خود در مورد همان مسائل صحبت می‌کند. او از علاقه خودش به تماشا بازی فوتبال و

موکول کردن الزام روح‌القدس در دعا صحبت می‌کند که چگونه به تدریج علاقه دیدن نتیجه بازی او را از اطاعت خدا دور کرد و وقتی به جای اطاعت به خدا وعده داد تا زمان بیشتری را بعداً صرف دعا کند خداوند به او نشان داد که از او قربانی زمانش را نمی‌خواهد بلکه اطاعت او را می‌خواهد. آری چقدر جسارت داریم؟ چقدر نسبت به الزام روح‌القدس حساس هستیم؟ در طول روز چه چیزی را انتخاب می‌کنیم؟ آیا با خدا در مشارکت هستیم؟ او مشتاق است تا او را در همه چیز دعوت کنیم و هیچ جایی بدون حضور او نرویم.

چقدر در دوستی با خدا هستیم. مسلماً خداوند دیدن بازی فوتبال را برای جان منع نکرده بود، اما اولویت اول جان چه بود؟ وقتی خدا در اولویت قرار دارد تمام زاویه‌های زندگی زیر محبت او زیباست، اما بدون حضور خدا هیچ لذتی دوام ندارد و همه چیز بطلالت است. همانطور نویسنده به مطلب تقدس اشاره می‌کند که چقدر کسانی وجود دارند که از این لغت فرار می‌کنند، اما خداوند ما را به تقدس فراخوانده و این حقیقتی است که باید با آن روبرو شویم. کلیسا باید تصویر و درکش را از تقدس بالا ببرد. درست است که ما با توانایی و شایستگی‌مان به جایگاهمان در مسیح دست پیدا نمی‌کنیم، اما باید با طبیعت جدیدمان همکاری کرده وجود خود را تسلیم آن نماییم تا رفتار و اعمال نیک داشته باشیم.

اکنون ای برادران، می‌خواهیم شما را از فیضی که خدا به کلیساهای مقدونیه عطا کرده است، آگاه سازیم. زیرا در همان حال که ایشان به سبب زحماتی توانفرسا، در بوتهٔ آزمایش قرار داشتند، از شادی بی‌حد و فقر بسیارشان، سخاوتی بی‌کران جاری گشت. چرا که در حد توان خویش و من شاهدی که حتی بیش از آن خود پیشقدم شده، با اصرار زیاد از ما خواهش کردند که در این خدمت به مقدسین سهیم باشند. (دوم قرنتیان ۸: ۴-۱)

ما نمی‌توانیم برای عدم تغییر و دگرگونی خود عذر و بهانه بترائیم که انسانیم و انسان جایزالخطا است، بنابراین تمرکز ما صرفاً برای آموزه کوتاه و خلاصه شده فیض خواهد بود و این که گناهان حال گذشته و آینده ما بخشیده شده. اگر صرفاً به این باور داشته باشیم به امنیتی

کاذب بال و پر داده‌ایم زیرا وجدانمان ساکت است، اما درون ما فریاد است که «باید چیز بیشتری هم باشد».

آری، یک حقیقت ناشناخته فیض، قدرت خداست که در ضعف‌های ما نمایان می‌شود. نویسنده در این مورد و چگونگی آن مطالب زیبایی با ما در میان می‌گذارد.

جان در مورد مفید بودن پیام‌ها صحبت می‌کند. اینکه گاهی پیام‌هایی هستند که ناخوشایند و تادیبی هستند، مفید و سودمند؛ و گاهی پیام‌هایی می‌شنویم که خوشایند هستند اما تخریب کننده. حال بیشتر به معنای خوب یا خدا پی‌بردیم.

زخمی هم که از دوست رسد وفادار است، اما به صد بوسهٔ دشمن هم نتوان اعتماد کرد. (امثال ۲۷: ۶)

شناخت واژه تقدس، فیض خدا و ترس مقدس برای تک به تک ما نیاز است و نویسنده به بررسی دقیق این واژه‌ها در ریشه و قدرت آنها می‌پردازد.

شما را تشویق می‌کنم تا این کتاب را در مشارکت‌های گروهی مطالعه کنید و تمرین‌ها و سوالات پایان هر فصل را با تامل پاسخ دهید. ایمان دارم که قدمی بزرگ در شناخت رابطه با خداوند برای شما خواهد بود.

نکاتی بسیاری در این کتاب توجه مرا به خود جلب کرد که نیاز است بارها آن را مطالعه کنم، اما یک قسمت بسیار زیبا که درونم آتش بر پا کرد نگرش و هدف خدا در آیه ۱۵ باب ۱۴ کتاب یوحنا بود: «اگر مرا دوست بداری احکام مرا نگاه خواهید داشت».

خدا هدف ندارد که شرطی بودن این جمله را به ما نشان دهد. اینکه اگر احکام خدا را نگاه داریم آن زمان خدا را دوست خواهیم داشت. این یک باور شریعت گرایانه است، اما اگر عمیقاً خدا را دوست داشته باشیم بر انگیزخته خواهیم شد تا احکام او را نگاه داریم.

آنچه که دلتان محکم بدان چسبیده و دلگرمید، همان در حقیقت خدای شماست. (مارتین لوتر)

دوستی و عشق با خدا در شما

المیرا عزیزی

سلامت مو و طریقه رسیدگی صحیح به آن



سلام به همراهان گرامی، در این شماره به سلامت موها می‌پردازیم و اینکه برای داشتن موهای سالم چه کارهایی باید انجام بدهیم و چطور به موهایمان رسیدگی کنیم.

باید در نظر داشت که تغذیه نقش مهمی در رشد مو دارد و بدن به ویتامین‌هایی از قبیل گروه «ب» (B۱-B۹-B۱۲) برای رشد سالم مو نیاز دارد.

ویتامین B۶ در فلفل دلمه، اسفناج، موز، نخود فرنگی، گل کلم و هویج و ویتامین B۱۲ در مرغ، گوشت گوسفند و گاو، تخم مرغ، پنیر، ماهی، شیر و ماست نیز موجود است.

منابع پروتئین را هم نباید دست کم گرفت، مانند گوشت‌های کم‌چرب، ماهی، سویا و آجیل‌ها و ماهی که منبعی غنی از امگا ۳ می‌باشد و برای رشد مو و سلامت مو بسیار موثر است.

میوه‌ها نیز اگر به طور مداوم مصرف شوند برای پیشگیری از بیماری‌های پوست و مو مفید می‌باشند و از ریزش مو جلوگیری می‌کنند و طراوت و زیبایی را به مو هدیه می‌دهند.

متخصصین پوست و مو معتقدند که اصولاً میوه‌ها و سبزیجات تازه، انواع و اقسام ویتامین‌ها و مواد معدنی را به بدن می‌رسانند و وجود این خوراکی‌ها در سلامت پوست و مو بسیار موثر است.

سعی کنید موهای خود را بیش از سه یا چهار بار در هفته نشوئید. شستن هر روزه موها باعث خشکی مو می‌شود، زیرا با شستن موها چربی پوست را از بین می‌برید. همچنین از شستن مو با آب داغ اجتناب کنید. چون آب داغ روی



مو باعث وز شدن موها می‌شود.

از روغن زیتون و روغن بادام می‌توانید برای موهایتان

استفاده کنید. روغن را به ریشه و ساقه‌ها و نیز به نوک موها بزنید و اجازه دهید روغن حداقل به مدت ۲ ساعت در موهایتان بماند و سپس آن با آب تقریباً سرد بشوئید.

هیچوقت در حین شامپو زدن و شستشو، موها را با شدت چنگ نزنید، بلکه به آرامی موهایتان را با شامپو ماساژ دهید. برای خشک کردن نیز با آرامی با مو برخورد کنید. موهایتان را بین حوله نپیچید و بالای سر ببندید، بلکه موهایتان را به آرامی در وسط حوله قرار داده و با فشاری اندک نم آن را بگیرید. برای داشتن موهای سالم‌تر باید روش خشک کردن مو با سشوار و اتوی مو را کنار بگذارید و اجازه دهید مو به صورت طبیعی و با جریان هوا خشک شود.

تا حد ممکن از استفاده مواد شیمیایی برای موهایتان بپرهیزید. تحقیقات متخصصین مو بر این مبنا بوده است که آسیب‌های مکانیکی و شیمیایی مو، موجب تخریب و چند شانه شدن موها (اصطلاحاً مو خوره) می‌شود. از برس زدن بیش از حد مو نیز خودداری کنید زیرا از مهمترین علت‌های ایجاد آسیب‌های مکانیکی بر موهاست. شانه زدن بیش از حد به شدت مو، همچنین شانه زدن ناصحیح، و شستشوی بیش از حد موها و استفاده بیش از اندازه مواد شیمیایی، باعث ضعیف شدن موها و از بین رفتن کوتیکول می‌شود و لایه حفاظتی مو را از



بین برده و موجب چند شاخه شدن و شکسته شدن مو و در نتیجه موخوره می‌شود.

یکی دیگر از رازهای داشتن موهای

سالم و درخشان کنترل کردن استرس است. در واقع استرس زمینه بسیاری از بیماری‌هاست و بر سلامت مو نیز تاثیرگذار است. استرس و اضطراب باعث می‌شود که جریان خون در سطح بدن خوب و منظم نباشد و این امر در سلامت مو نیز موثر می‌باشد.

می‌توانید برای سالم نگه داشتن موهایتان در هفته دو یا سه بار از ماسک‌های خانگی و گیاهی استفاده کنید.

در اینجا طرز تهیه دو نمونه ماسک مو را برایتان توضیح می‌دهیم.

ماسک موی تخم مرغ: یک عدد تخم مرغ را با دو قاشق روغن زیتون مخلوط کنید و به مدت یک ساعت اجازه دهید این ماسک روی موهایتان بماند و سپس بشوئید (لازم به ذکر است که زرده تخم مرغ برای موهای چرب ممکن است مناسب نباشد).

ماسک موی آووکادو: یک عدد آووکادوی له شده را با یک فنجان ماست معمولی مخلوط کرده سپس موها را از ابتدا تا انتها به این ماسک آغشته کنید بعد از مدت ۴۵ دقیقه با آب ولرم بشوئید؛ این ماسک سرشار از ویتامین E و B می‌باشد.

خداوند ما خدای سلامتی، خدای نظم و خدای خوبی هاست پس فرزندان این پدر، باید همچون او رفتار کرده و به شایستگی یک هم ارث و به شایستگی فرزندان پادشاه در پادشاهی او حضور پیدا کنند. پس به سلامت تمامی وجود، تمامی جسم و روح باید توجه کنیم. پس بیایید برای آراستگی چه در سلامت مو و چه در سلامت تمام اعضای بدن کوشا باشیم و در پی هر کدام از دیگری غافل نشویم.

الهی سوسن آبادی

گلشن

یادگار گرمی

گلشن

گلشن

خداوند فرمود: «هستم آنکه هستم»، عیسای مسیح

گفت: «من قیامت و حیاتم»، اشعیا گفت: «کودکی زاده

خواهد شد که مشاور شگفت انگیز، خدای قدیر و پدر سرمدی

و سرور و صلح خواهد شد» پس حیات و صلح و سلامتی آن که بود و

هست و می‌آید را به شما اعلام می‌کنم. همینطور که در هفته‌های گذشته

سال‌روز قیام عیسی مسیح از مردگان را سپری کردیم آمین که در زندگی‌هایمان

نیز از قیام عبور کرده و به شفا رسیده باشیم. پنجاه روز بعد از قیام، پنطیکاست در راه

است. آمین که آن روح وعده در تک به تکمان ساکن شده و زندگی‌هایمان در هدایت خداوند

به پیش رود.

طبق هر سال تصمیم داریم با دستور یک کیک به شما عزیزان خدمت کرده و این هدیه شیرین را به

دست شما برسانم.

مواد لازم:

* کره‌ای یا مارگارین: ۱۸۰ گرم

* شکر: ۱۸۰ گرم

* تخم مرغ: ۳ عدد

* آرد: ۲۷۰ گرم

* بکینگ پودر: ۵ گرم

* لیمو (برای پوست): ۱ عدد

* کشمش بدون هسته: ۱۵۰ گرم

* کره (برای چرب کردن ظرف): به مقدار لازم

آماده سازی اولیه:

* کره و تخم مرغ‌ها را برای مدتی بیرون نگاه

می‌داریم تا به دمای محیط برسند.

* کشمش‌ها را در آب سرد شسته و سپس چند ثانیه در آب

جوش نگه داشته و خارج می‌کنیم، سپس منتظر می‌مانیم تا

آب کشمش‌ها کاملاً گرفته شود.

* آرد را الک می‌کنیم. در ظرفی کوچک و با سایز ریز رنده

پوست لیمو را رنده می‌کنیم.

* قالب کیک را با کره نرم شده چرب کرده و سپس به کمی

آرد آغشته می‌کنیم تا همه جای قالب خوب با آرد پوشیده

شود، سپس با برعکس کردن ظرف و چند ضربه آرد اضافی را

خارج کنیم.

طرز تهیه:

* کره نرم شده را در یک کاسه به وسیله همزن مخلوط

می‌کنیم تا به شکل یک کریم یک دست درآید.

* شکر را اضافه می‌کنیم و دو دقیقه دیگر به هم زدن ادامه

می‌دهیم.

* پس از آن تخم مرغ‌ها را تک به تک و با فاصله زمانی

اضافه می‌کنیم و هم می‌زنیم تا به خورد مواد برود.

* سپس آرد و بکینگ پودر را اضافه کرده و بعد از آن پوست

لیمو و کشمش را اضافه می‌کنیم و هم می‌زنیم تا مواد

کاملاً یک‌دست شوند.

* حال می‌توانیم آن را آرام به ظرفی که از قبل چرب

کرده‌ایم منتقل کنیم. مواد باید تا نصف ظرف کیک را در

بر گیرد.

* فر را از قبل در دمای ۱۶۰ درجه سانتی گراد تنظیم

می‌کنیم.

* حال ظرف را بین ۵۰ الی ۷۰ دقیقه برای پخت در فر قرار

می‌دهیم. زمان پخت کیک به ضخامت خمیر بستگی دارد.

* بعد از پخت کیک را از فر خارج کرده و ۱۰ دقیقه صبر

می‌کنیم تا کمی خنک و سپس آن را از ظرف خارج

می‌کنیم و اجازه می‌دهیم کاملاً خنک شود؛ کیک شما

برای سرو آماده است.

* توجه داشته باشید که ظرف کیک معمول کیک‌های

صبحانه، یا همان ظرف‌های مستطیل را برای این کیک

استفاده می‌کنیم.

نوش جان.

«در دستان امن مسیح باشید»

بدن را در سلامت

امروزه به دلیل پایین آمدن سن ابتلا به اعتیاد و همچنین افزایش روز افزون آمار مبتلایان به این بیماری راه‌های زیادی نیز برای رهایی از آن پدید آمده است. در نظر داشته باشید که افراد سود جویی هم در این میان بدنبال دست یابی به سودها و منافع مالی از طریق عدم آگاهی خانواده‌ها در این حیطه دست برده‌اند. لطفاً با ما همراه باشید تا به کمک اطلاعاتی که در این قسمت درج می‌شود بتوانید راهکاری درست در مقابله با این بیماری یافته و به دلیل نداشتن آگاهی مورد سو استفاده این افراد قرار نگیرید. اثرات مسمومیت حاصل شده از مصرف هر نوع مخدر و به هر میزان مصرف و حتی با هر زمان مصرف پس از سپری دوره کوتاه چند روزه در بدن از بین خواهد رفت. اگر فرد ده‌ها سال و به میزان زیادی مواد مخدر مصرف کرده باشد در طی چند روز بسته به نوع آن از سه تا بیست روز ترک مصرف می‌تواند پاکسازی شود.

شاید در تبلیغات حتی پزشکان هم دیده باشید که با تصفیه و یا تعویض خون مدعی می‌شوند که فرد را پاکسازی می‌کنیم. مراکز و کلینیک‌هایی ترک اعتیاد که با استفاده از تجهیزات و راهکارهای دارویی، درمانی و پزشکی می‌توانند سموم حاصل از مصرف مواد را از خون بیمار خارج کنند. حتی بعد از انجام این پاکسازی در آزمایش خون هم اثری از سو مصرف دیده نخواهد شد. این‌ها روش‌هایی‌ست که امروزه با نام‌های متفاوت در همه جا رایج و قابل استفاده و هزینه بر هستند. اما نکته اصلی در رهایی از اعتیاد تداوم در ترک مصرف و پاک ماندن است. به عقیده شما آیا ماده‌ای که مدت‌ها و به تدریج وارد بدن می‌شود و جسم و ذهن و افکار فرد را تحت تاثیر قرار می‌دهد

راه رهایی چیست؟

با چند ساعت می‌تواند برای همیشه فراموش شود؟ متأسفانه تاثیرات مخرب حاصل از مخدرها چنان روح و فکر و جسم فرد را درگیر می‌کند که با این روش‌ها و به این راحتی نمی‌توان برای همیشه آن را از بین برد.

پاک شدن کامل از اعتیاد، رهایی از نظر و ابعاد جسمی، روانی و روحانی می‌باشد.

اولین گام با پاکسازی بدن از مسمومیت‌هایی است که به سبب مصرف مواد مخدر جسم انسان را درگیر کرده برداشته می‌شود.

دومین گام مسئولیت پذیری فرد نسبت به آسیب‌های جسمی، روحی و روانی‌ست که در دوران مصرف مواد مخدر به خود و اطرافیان زده. زمانی که فرد توانست با موفقیت سموم را در بدن خود از بین ببرد ثبوت به مداوای آسیب دیدگی‌ها می‌رسد. مصرف مواد مخدر متأسفانه آسیب‌های زیادی به جسم و جان فرد مصرف کننده می‌زند که اطرافیان را نیز درگیر خواهد کرد. فردی که قصد دارد از بند اسارت به طور کامل رهایی یابد، باید با شناخت صحیح آسیب‌ها و پذیرش مسئولیت از بین بردن این آسیب‌ها از نظر جسمی، به مداوای اعضای از بدن که روزی به دلیل مصرف مواد مخدر سلامتش را از دست داده و یا آثار و تبعات زیان باری که روح و روان فرد را درگیر کرده تعمیم داده شود. هر فردی که با پاکسازی از سموم و معالجه آسیب دیدگی‌های روحی و جسمی به سلامتی دست می‌یابد حالا با نگاه سلامت به اطرافیان می‌تواند به راحتی زخم‌ها و جراحاتی را که به آنها وارد کرده ببیند و در پی مداوای آنها بر آید. از جمله آنها می‌توان به لطمات و زیان‌هایی که به لحاظ مالی و عاطفی باعث عدم اطمینان و اعتماد دیگران شده اشاره نمود.

در **سومین** مرحله فرد باید به کندوکاو در شناخت عوامل ابتلایش به اعتیاد بپردازد. در مسیر زندگی و در درون خود بررسی و تامل کند تا متوجه شود چه چیزی به لحاظ روحی، عاطفی و احساسی او

را در گیر کرده و شرایط ذهنی و جسمی‌اش را مستعد مصرف مواد مخدر کرده است. اکثر انسانها می‌دانند که مصرف مخدرها برایشان زیانبار است، اما متأسفانه مسائل، مشکلات و شرایط دست به دست هم می‌دهند که هم فکر و هم جسم را از مقاومت در مقابل مصرف مواد عاجز کنند. این عوامل و شرایط اگر به درستی کشف نشوند و راه صحیح مواجهه با آنها به درستی شناسایی نشوند دیگر بار نیز می‌تواند فرد را درگیر کند و به اسارت ببرد.

چهارمین مرحله شفای روانی است وقتی ناخودآگاه انسان در طی سال‌ها به دلیل فشارهای حاصل از مواجهه با مشکلات و مسائل آسیب می‌بیند و شخص نمی‌تواند راهکاری درست برای مواجهه با آنها بیابد و باعث آسیب به جسم فرد نیز می‌شود. بدن دیگر به خودی خود نمی‌تواند مُسکن برای دردهای حاصل از فشارهای روحی بسازد و این خود یکی از عوامل مهم روی آوری و مصرف مواد مخدر است. انسان باید به دنبال شناخت راهکار و الگوی درستی برای حل مسائل و رویارویی با مشکلاتی که در زندگی باعث آسیب و فشار بر روح و روانش می‌شود باشد، تا بتواند با استفاده از آنها دیگر بار خود را از گزند آسیب در امان نگاه دارد. پنجمین مرحله آشنایی با مسائل و تعلیمات درست معنوی‌ست. آشنایی با پاکسازی رفتار و افکار است. عزیزان اگر انسان بتواند از لحاظ معنوی به الگوی صحیحی برای زندگی دست یابد و آن را با تکرار و تمرین در زندگی‌اش اجرا کند کمتر مورد هجوم و حمله غرایز بد و کج‌روی‌های روحی و آسیب‌های حاصل از آن در زندگی قرار می‌گیرد.

اگر به لحاظ معنوی بتوانیم الگوی صحیح رفتاری و نحوه صحیح رسیدن به کامیابی را بیابیم دیگر برخورد ما با شرایط و مشکلاتی که منجر به پیدایش غریزه‌ها و افکار بد می‌شود تغییر خواهد یافت. به عنوان مثال ایجاد خشم که یکی از آثار رویارویی با رفتارهای نادرست و ناملایمته‌ها در زندگی است اگر به طور صحیح و درست کنترل نشود به مرور تشدید یافته و حس انتقام را به دنبال خواهد داشت. همه ما می‌دانیم که خشم‌ها و انتقام جویی‌های حاصل از آن قبل از اینکه به طرف مقابل آسیب بزند به روح و روان و حتی جسم خود

فرد آسیب می‌زند. این آسیب‌ها آثاری همچون سردرد، بی‌انگیزه‌گی و دل‌سردی به دنبال خواهد داشت و تکرار آن فرد را ضعیف و ضعیف‌تر ساخته و فرد به جهت تسکین این علائم به دنبال تسکین دهنده‌ای از بیرون می‌گردد و اگر شرایط بیرونی هم مهیا باشد فرد را مستعد استفاده از موادی می‌کند تا مقطعی بتواند او را از این فشارها دور کرده و رها سازد، غافل از اینکه این خود اسارتی به دنبال خواهد آورد که رهایی از آن بس دشوارتر خواهد بود.

اگر با دقت به مسیر زندگیتان نگاه کنید خواهید دید که زمانی به دلیل عدم شناخت خداوند خود را نیز نمی‌شناختید و این عدم شناخت، شما را از درک برنامه و هدفی که برای آن آفریده شده‌اید عاجز گردانیده‌بود. شما نیز با نداشتن این شناخت عاجز از تعیین هدف درست در زندگی بودید و زمانی که هدف از زندگی به درستی تعیین نشود انگیزه و تلاش‌ها نیز بی‌ثمر خواهد بود و دچار کج روی‌هایی می‌شود که سرانجام آن جز شکست نخواهد بود و گاهی ما را به ورطه‌ای می‌کشاند که زخم‌های عمیق بر جان و جسم‌مان می‌زند. لطفاً در شماره بعد با ما همراه باشید تا با هم ببینیم درست‌ترین راه برای رهایی چیست...

مایا مقدم

درود به همه اسمیرنایی‌های عزیز

صلح و سلامتی خداوند با شما پدر و مادرهایی که با ما همراه هستید دوستان عزیز همانطور که می‌دانید بر طبق هدف سالیانه که رشد در مسیح و ثمره آوردن است، پروسه‌های سه ماهه‌ای داریم که هدف را جزئی‌تر کردیم و هر سه ماه تمرکز ما بر آن هدف خواهد بود تا با قوت خداوند و هدایت روح‌القدس دستی باشیم برای تربیت و آموزش فرزندان نو شکفته در مسیح.

خداوند را شکر می‌کنیم برای این فرزندان که هر روزه شاهد بزرگتر شدنشان در مسیح و اشتیاقشان برای شناخت خداوند هستیم. در این راه هدف این است که بچه‌ها اهمیت دعا کردن را بدانند و در مشکلات و بحران‌ها نگاهشان به عیسی مسیح باشد و اینکه در خانواده‌هایشان ثمره داشته باشند. آمین که با یاری خداوند هر روز بیشتر و بیشتر به این هدف نزدیک شویم.

هدف اصلی: رشد در مسیح و آوردن ثمرات.

هدف سه ماهه: آموختن دعا و رشد در دعا.

هدف هفتگی: آرام باشیم و در دعا از خداوند بخواهیم که به جای ما عمل کند.

با در نظر داشتن هدف این هفته یک بازی را مد نظر داریم که برای اکثر شما آشنا است و در کودکی این بازی را انجام داده‌اید، ولی شاید هیچ‌وقت خودمان به نتیجه این بازی توجه نکرده‌ایم و اینکه چقدر از این بازی‌ها می‌توان درس گرفت و در زندگی روزمره این برکت‌ها را به کار برد و در مسیح رشد کرد.

«**تانک بازی یا جنگ تانک‌ها**»؛ بازی به این صورت است که بچه‌ها را به گروه‌های دو نفره تقسیم کرده و به هر گروه کاغذی می‌دهیم، این کاغذ را از وسط به طور مساوی تقسیم می‌کنیم بدون اینکه کاغذ را پاره کنیم. یک قسمت از کاغذ زمین یکی از کودکان و قسمت دوم، زمین دیگری است. از بچه‌ها می‌خواهیم که هر کدام در هر جایی از کاغذشان که دوست دارند ۶ تانک بکشند و دیگری هم به همین صورت. شروع کننده بازی باید تانک زمین مقابل را هدف قرار دهد و

آن را حذف کند. به این صورت که هر کدام از تانک‌ها را می‌خواهد بزند باید ابتدا یک فاصله چشمی از تانک زمین مقابل تا خط تا خورده وسط کاغذ در نظر بگیرد و بعد همین فاصله چشمی را که در نظر گرفته، یک نقطه در زمین خود بگذارد. باید نقطه را پر رنگ کند تا هنگامی که کاغذ را تا می‌کند آن نقطه مشخص باشد و جای نقطه را از پشت کاغذ علامت گذاری کند. وقتی که کاغذ را به حالت اول برمی‌گرداند اگر درست فاصله چشمی را رعایت کرده باشد و درست نقطه گذاری کرده باشد می‌تواند یکی از تانک‌های زمین مقابل را بزند و حذف کند. اینک هدف ما مثل دوران بچگی این نیست که برنده یا بازنده مشخص شود و یا اینکه چه کسی تانک بیشتری را هدف گرفته است. هدف این است که بچه‌ها بدانند در این بازی اگر بخواهد تانک زمین مقابل را هدف بگیرند ابتدا باید در زمین خودشان یک نقطه بگذارند و بعد با آن نقطه سیاه زمین مقابل را هدف بگیرند. پس قبل از اینکه زمین دیگری را مورد هدف قرار دهند ابتدا زمین خودشان و کاغذ خودشان را باید کثیف و خط خطی کنند.

وقتی که بچه‌ها به این قسمت از نتیجه بازی رسیدند برای آنها از این صحبت می‌کنیم که زندگی روزمره و روابطمان هم به همین صورت است. وقتی که ما در مشکل یا بحران با کسی یا مسئله خاصی روبرو هستیم، اگر بخواهیم برای پیروز شدن با دیگران بجنگیم ابتدا خودمان را مورد آسیب قرار می‌دهیم. ابتدا افکار خودمان، قلب

خودمان و روحیه خودمان را سیاه و ناراحت می‌کنیم. بیشترین ضرر را اول به خودمان می‌زنیم بعد به دیگران. پس در این شرایط باید آرام باشیم و در دعا بمانیم. دعا کنیم برای کسانی که از آنها ناراحت هستیم و دعا کنیم برای آرامش خودمان و از خدا بخواهیم که او بیاید، بجنگد و آرامش دهد.

وقتی که ما خودمان بجنگیم ثمره خوبی نخواهد داشت، ولی زمانی اجازه بدهیم که خدا به جای ما عمل کند، ثمره آن پیروز شدن خوبی و مغلوب شدن بدی است؛ برای بچه‌ها از این موضوع صحبت کنیم که جنگ ما با جسم و خون نیست، جنگ ما با انسان‌ها نیست، بلکه با تاریکی و بدی است. خدا پیروزی است و کارش تبدیل لعنت‌ها به برکات است. در این قسمت یک آیه از کتاب مقدس را در نظر داریم. کتاب خروج باب ۱۴ آیه ۱۴: «خداوند برای شما خواهد جنگید شما فقط آرام باشید.»

از بچه‌ها می‌خواهیم که روی این آیه تامل کنند و هر روز در شرایط سخت این آیه را به یاد آورند که خداوند به جای همه ما می‌جنگد. آمین که هر لحظه یادآور کارهای خداوند در زندگی‌هایمان باشیم و اجازه بدهیم خداوند در ما عمل کند، بلکه ثمره نیکو بیاوریم و به عمق‌های خداوند وارد شویم.

مرضیه کاظمی



کتاب خروج باب ۱۴ آیه ۱۴:
«خداوند برای شما خواهد جنگید شما فقط آرام باشید.»

از مدت‌ها پیش به هنگام وقوع سیل بارها از طُرُق مختلف هشدار هجوم ملخ‌ها و خبرهایی از آماده سازی برای پیش‌گیری از این هجوم در استان‌های جنوبی کشور بودیم بلکه شاید بتوان خسارات ناشی از آن را به حداقل رساند. ملخ‌هایی که با هجومشان هر محصولی را که بر سر راهشان بینند خورده و نابود می‌کنند. ملخ‌هایی که بارها شاهد ویرانی‌هایشان در اخبار و مجلات و کتب تاریخی بوده‌ایم. مقابله با این گونه حشرات هزینه‌های گزافی را در پی خواهد داشت و وقت و نیروی زیادی را می‌طلبد، ولی منفعتی که در پس این پیش‌گیری‌ها حاصل می‌شود هزینه‌ها در برابرش ناچیز به حساب می‌آیند و اعداد و ارقام نشان می‌دهند که پیش‌گیری بسی بهتر از درمان پس از آن است.

کاش کمی هم به زندگی روحانی خودمان بنگریم. سالیان سال است که ملخ‌ها دسته دسته به زندگی روحانی ما زده‌اند و از آن غافلیم؛ اخطار این گونه حملات را بارها و بارها خداوند از طرق مختلف به ما داده و به گوش ما رسانده است و می‌دانیم که اگر جلوی پیش‌گیری هجوم این ملخ‌ها را نگیریم و با آن دسته که به مزرعه‌ی روحانی ما نفوذ کرده‌اند به مقابله بلند نشویم عواقبی بس سنگین‌تر دامن ما را خواهد گرفت. وقت آن همین الان است که با تمام قوا و نیروی خود به مقابله با این آفت بلند شویم، چرا که عاقبت کوتاهی در مقابل به این گونه آفات گریبان خودمان را گرفته و تاثیر مستقیم بر خودمان و ناخواسته در زندگی اطرافمان می‌گذارد؛ این ملخ‌ها محصول رابطه‌ی روحانی من و شما با خداوندان را به نابودی کشانده‌اند و این است که دیگر ثمری نیکو در ما باقی نمی‌ماند که بتوانیم نور و نمکی باشیم برای نمکین کردن دنیا و به خودمان که می‌آییم می‌بینیم عاری شده‌ایم از محبت، شادی، آرامش، صبر، مهربانی، نیکویی، وفاداری، فروتنی و خویشتنداری...

بیایید هم اکنون برخیزیم و با قوت روح خدا مزرعه را با این محصولات نیکو از نو بنا کرده و پشت‌بندهایی برای حفاظت از آنها بسازیم...

حسین سکاکی



صلح و سلامتی خداوند بر شما خواننده عزیز مجله اسمیرنا

در این شماره از تکنولوژی به بررسی مدل‌های جدید از پرچمداران تلفن همراه خواهیم پرداخت.

در ابتدا لازم می‌دانم توضیح مختصری درباره اصطلاح «پرچمدار» (Flagship) به شما عزیزان ارائه کنم. کلمه پرچمدار به معنی کشتی حامل پرچم دریادار و یا خود دریادار می‌باشد و از آنجایی که دریادار مقام بالایی در نیروی دریایی دارد احتمالاً از این اصطلاح برای بهترین و قویترین مدل‌های تلفن همراه هر کمپانی استفاده شده است. پس پرچمدار در تلفن‌های همراه می‌تواند به معنی بهترین، نشان‌دار، جلوتر از همه قرار گرفته و باعث افتخار باشد.

در اینجا به معرفی پرچمداران بعضی از برندهای تلفن همراه در سال ۲۰۱۹ اشاره خواهیم کرد.

اولین پرچمدار از کمپانی کره‌ای سامسونگ می‌باشد. سامسونگ مدل گلکسی S۱۰ را با امکانات جالبی روانه بازار کرده است.



این تلفن همراه با صفحه نمایشی بزرگ به اندازه ۶٫۱ اینچ و با وضوح ۱۴۴۰×۳۴۴۰ و تراکم پیکسلی ۵۵۰ پیکسل در هر اینچ ارائه شده است. در عین حال که صفحه نمایش بزرگی دارد ولی از اندازه مناسبی برخوردار می‌باشد (ارتفاع ۱۵ سانتی‌متر). پردازنده‌های استفاده شده در این مدل، شامل دو پردازنده ۸ هسته‌ای می‌باشد. برای مدل‌های ارائه

شده در خاورمیانه از چیپست Exynos ۹۸۲۰ و برای مدل ارائه شده در چین و آمریکا از چیپست Qualcomm Snapdragon ۸۵۵ استفاده شده است. همچنین برای پردازش گرافیک‌های بسیار سنگین از چیپست Mali-G۷۶ MP۱۲ (خاورمیانه) و چیپست Adreno ۶۴۰ (چین و آمریکا) استفاده شده است. جنس بدنه این مدل هم در قاب پشتی و هم روی صفحه، شیشه محافظت شده با گوریلا گلس ۶ و در اطراف گوشی (فریم) از آلومینیوم استفاده شده است.

سیستم عامل کنترل کننده این مدل نسخه شماره ۹ اندروید یعنی Pie (پای) می‌باشد. حافظه داخلی برای این مدل در دو ظرفیت



۱۲۸ و ۵۱۲ گیگابایت موجود می‌باشد که قابلیت استفاده از کارت حافظه تا ظرفیت ۵۱۲ گیگابایت را نیز داراست. مقدار حافظه رم این مدل نیز ۸ گیگابایت می‌باشد. دوربین‌های استفاده شده در این مدل شامل ۳ دوربین در پشت (لنز واید ۱۲ مگاپیکسل، لنز تله ۱۲ مگاپیکسل، لنز فوق واید ۱۶ مگاپیکسل) و یک دوربین در جلو (۱۰ مگاپیکسل) می‌باشند که قادر به فیلمبرداری با وضوح ۲۱۶۰ پیکسل (۴K) هستند. باتری این مدل از نوع داخلی و با توان ۳۴۰۰ میلی آمپر و از نوع لیتیوم یون می‌باشد. سنسور اثر انگشت در این مدل زیر صفحه گوشی (غیر قابل دیدن) تعبیه شده است. پرچمدار بعدی مربوط به کمپانی هواوی می‌باشد که مدل P۳۰ Pro می‌باشد.

در این مدل از پردازنده ۸ هسته‌ای HiSilicon Kirin ۹۸۰ و پردازنده گرافیکی Mali-G۷۶ MP۱۰ استفاده شده است. اندازه صفحه نمایش این مدل ۶٫۴ اینچ و با وضوح ۲۳۴۰×۱۰۸۰ و تراکم پیکسلی ۳۹۸ پیکسل در اینچ می‌باشد.



ارتفاع این گوشی ۱۵٫۸ سانتی‌متر است که نسبتاً بزرگ می‌باشد. جنس بدنه این گوشی در قاب پشت و روی صفحه نیز شیشه و در اطراف آلومینیوم می‌باشد. نسخه اندروید این مدل نیز ۹ (اندروید پای) است. حافظه داخلی استفاده شده در این مدل در سه ظرفیت ۱۲۸ و ۲۵۶ و ۵۱۲ گیگابایت با رم ۸ گیگابایت و در مدل ۱۲۸ گیگابایتی مقدار رم ۶ گیگابایت می‌باشد. دوربین‌های استفاده شده در پشت این مدل از ۴ لنز ۴۰ مگاپیکسلی (واید)، ۲۰ مگا پیکسلی فوق واید، ۸ مگاپیکسلی (تله فوتو) و یک دوربین ۳ بعدی که همه از لنزهای شرکت Leica بهره می‌برند، تشکیل شده و یک دوربین ۳۲ مگاپیکسلی (واید) در جلوی این گوشی قرار گرفته است. سنسور اثر انگشت این مدل نیز زیر صفحه گوشی قرار گرفته است. فراموش کردن پرچمدار کره‌ای شرکت ال جی ممکن نیست. مدل ThinQ G۸ که تازه به بازار آمده دارای صفحه نمایشی ۶٫۱ اینچی با وضوح ۳۱۲۰×۱۴۴۰ و تراکم پیکسلی ۵۶۴ در هر اینچ می‌باشد و از اندازه مناسبی برخوردار است (ارتفاع ۱۵٫۲ سانتی متر).



در ساخت این مدل نیز از شیشه در پشت و روی گوشی با محافظت گوریلا گلس ۵ استفاده شده و دارای قابی آلومینیومی می‌باشد. این پرچمدار از استاندارد IP۶۸ (تا ۳۰ دقیقه در عمق ۱٫۵ متری آب) برای محافظت در برابر آب و غبار استفاده می‌کند. پردازنده این مدل از چیپست ۸ هسته‌ای Qualcomm Snapdragon ۸۵۵ بهره‌مند شده و برای پردازش گرافیکی از چیپست Adreno ۶۴۰ استفاده می‌کند. در این مدل نیز از سیستم عامل نسخه ۹ اندروید استفاده شده است.



دوربین پشتی این مدل نیز با ۳ لنز ۱۲ مگاپیکسلی (استاندارد)، ۱۲ مگاپیکسلی (تله فوتو) و ۱۶ مگاپیکسلی (سوپر واید) با قابلیت فیلمبرداری با وضوح ۲۱۶۰ پیکسل (۴K) تجهیز شده است. دوربین جلویی نیز از یک لنز ۸ مگا پیکسلی (واید) و یک دوربین ۳ بعدی با توانایی فیلمبرداری با وضوح ۱۰۸۰ پیکسل برخوردار است. حافظه داخلی این مدل نیز ۱۲۸ گیگابایت با قابلیت افزایش از طریق کارت حافظه با ظرفیت نهایی ۵۱۲ گیگابایت می‌باشد و با رم ۶ گیگابایتی همراهی می‌کند.

ظرفیت باتری این مدل نیز ۳۵۰۰ میلی آمپر و از نوع لیتیوم-یون داخلی می‌باشد. امیدواریم که این مطلب نیز برای شما مفید بوده باشد، در شماره بعدی به ادامه معرفی پرچمداران دیگر کمپانی‌ها خواهیم پرداخت. در پناه خدای سلامت و محبت باشید.

محمد روح‌بخش

من یک زن هستم...

صلح و سلامتی خداوندمان عیسی مسیح بر شما باشد. پنتیکاست مبارک؛ با توجه به نزدیک شدن این روز که یادآور کار عظیم خدا در ایمانداران می‌باشد بر آن شدیم تا به ارزش زن در وعده پنتیکاست و بهایی که برای آن باید بپردازیم نگاهی بیاندازیم.

روز پنتیکاست عیدی که تمام مردم در اورشلیم جمع بودند و شاگردان همراه زنان در یکدلی و اتحاد در دعا بودند. آنها تمام وقت خود را در حضور خداوند بودند؛ چه روز عجیبی!!! چه برنامه‌ریزی دقیقی. آری خداوند وعده خود را تحقق بخشید. او از شاگردان خواسته بود تا در اورشلیم بمانند تا روح القدس را بیابند و این واقعه اتفاق افتاد. شور و حال عجیبی بود اینکه مردم با فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف همگی پیام خدا را دریافت کردند و در زبان‌ها هم اتحاد ایجاد شد. آری روز پنتیکاست روز شفای روابط ماست وقتی هر کدام از ما خارج از اطاعت خدا برای خودمان برج بابل می‌ساختیم. برجی که از غرور و خودخواهی‌هایمان بود. خداوند در پیدایش فرمان داد تا پراکنده شوید. بروید بارور و کثیر شوید و ما همگی جمع شدیم تا برج بابل را بسازیم و خدا ما را پراکنده ساخت. آری وقتی در هدف خدا حرکت نکنیم افکار او را درک نمی‌کنیم. گاهی او ما را پراکنده می‌سازد و گاهی جمع می‌کند. اما هدف خدا این است تا ما ثمر دهیم و جدا از او این ممکن نیست. خدایی که روزی ما را پراکنده کرد و به ما زبان‌های مختلف داد اکنون ما را به یکدلی می‌خواند و اتحاد. آیا خدا تغییر می‌کند؟ البته

پنتیکاست و شفای روابط

که نه. این فهم کوچک و زاویه دید کم ماست که حکمت و هدف خدا را نمی‌دانیم و نمی‌فهمیم و هر روز بابل‌ها را می‌سازیم، اما خدا محبت خودش را به ما ثابت کرد؛ او فرزندش را قربانی گناهان تمامی بشر کرد.

پنتیکاست روز آشتی قوم‌ها جنسیت‌ها و... است. همانطور که در غلاطیان می‌خوانیم، «پس دیگر هیچ تفاوتی میان یهودی و غیر یهودی، برده و آزاد، مرد و زن وجود ندارد، زیرا همه شما در اتحاد با عیسی مسیح یک هستید.» (غلاطیان ۳: ۲۸)

و در کتاب اعمال رسولان نیز می‌خوانیم:

...بلکه این همان چیزی است که یوئیل نبی گفت: «خدا می‌فرماید در زمان آخر چنین خواهم کرد: از روح خود بر همه‌ی مردم فرو خواهم ریخت و پسران و دختران شما نبوّت خواهند کرد و جوانان شما رویاها و پیران شما خواب‌ها خواهند دید. آری، حتّی بر غلامان و کنیزان خود در آن روزها از روح خود فرو خواهم ریخت و ایشان نبوّت خواهند کرد. و در آسمان شگفتی‌ها و بر روی زمین نشانه‌هایی ظاهر خواهم نمود، یعنی خون، آتش و دود غلیظ. پیش از آمدن آن روز بزرگ و پر شکوه خداوند، خورشید تاریک خواهد شد و ماه رنگ خون خواهد گرفت و چنان خواهد شد که هر که نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت.»

آیا خدمت آشتی را در دل داریم یا همچنان خودمان را برتر

یا پایین‌تر می‌بینیم؟ اما ما در مسیح یکی هستیم و به یک بودن فراخوانده شده‌ایم. آری، هر که نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت. «هر که» هیچ تفاوتی نیست. این به شخصیت، گذشته، جنسیت، مقام، اعمال ما و... بستگی ندارد بلکه به محبت خداوندی بستگی دارد که اراده‌اش این است که همگان توبه کنند.

خداوند ما را به حرکت کردن فرا می‌خواند تا در زمین حرکت کنیم، اما در اتحاد و یکدلی به او متصل باشیم و توکل و نگاهمان بر او باشد. پنتیکاست روزی است که شاگردان اطاعت کردند، زنان نیز همراه ایشان بودند. حال ما زنان چطور می‌توانیم همراه باشیم و در بالا خانه‌های افکارمان و در اتحاد و یکدلی، تمامی وقت را در مشارکت، دعا و رابطه با خداوند بوده تا زبان همدلی و شهادت حرکت را دریافت کنیم و اجازه دهیم که مفصل اتحادمان در بدن، خداوند باشد.

در شماره‌های پیشین مجله به بررسی شخصیت زنان کتاب مقدس پرداختیم که چه جاهایی ما در همین عصر شاید همانند آنها عمل می‌کنیم یا باید عمل کنیم، اما از این شماره بیشتر به مشکلات فرهنگی که ما زنان در جامعه و فرهنگ‌هایمان با آن مواجه شده‌ایم می‌پردازیم تا این زخم‌ها در حضور پر جلال مسیح به برکتی عظیم برای قوم خداوند تبدیل شده و تک به تک ضعف‌هایمان به قوت خدا بدل گردد.

راه خداوند را هموار سازید، خداوند عاشقانه صبوری می‌کند. او منتظر ماست، برای دیدار او باید تپه‌ها و دره‌ها هموار شود؛ چه چیزی میان ما و خدای ماست؟ عشق او ما را از پی خود می‌کشد. اما در این سفر روحانی دنیا برای ما چه موانعی ایجاد کرده؟ هر روز در صدد است که کوه‌ها را بلندتر و دره‌ها را عمیق‌تر کند تا این راه برای ما سخت و سخت‌تر شود. اما خدا برای کسانی که انتظار او را می‌کشند بال‌هایی

همچون عقاب خواهد داد.

اولین قدم، شناخت هویتمان است؛ من زن هستم، دخترِ خدا. آری ما دختران خدا هستیم و او ما را پدر است. صخره امن ما اوست، پناه و دژ و قلعه ما. ما دیگر برده نیستیم بلکه در مسیح آزادیم. چقدر از اینکه یک زن به دنیا آمده‌ایم خرسندیم؟ جامعه، فرهنگ، خانواده، پیشینیان و... بهتر بگوییم دنیا درصدد است تا این خوشحالی را از ما بدزدد. آنقدر که در مقایسه خودمان با دیگران گم شویم و خود را عاجز و ناتوان می‌بینیم. در کتاب مقدس آیات زیادی در رابطه با ارزش و جایگاه زن دیده می‌شود. به طور نمونه همانطور که زن از مرد پدید آمد مرد هم از زن پدید می‌آید. با این حال چه جای برتری وجود دارد؛ همه در خداوند یکی هستیم. در جامعه و فرهنگی که به دنیا آمده‌ایم شیطان از سال‌ها پیش بذرهایش را پاشیده تا باورهای غلط در ما شکل بگیرد. ترس، نگرانی، سردرگمی و ناتوانی، قربانی‌های بسیاری داده است. اگر چه زنان بسیاری ایستادگی و از آتش عشقی که خدا در درونمان قرار داده نگاهبانی کرده‌اند تا امروز ما به راحتی بگوییم من زن هستم، اما بسیاری هم درصدد گرفتن حقوقی که دزدیده شده، باز هم بازچه دست شیطان شدند و جنگ بین مرد و زن ادامه پیدا کرد...

جنگی که در دادگاه‌ها و در جامعه ادامه دارد، مرد و زنی که خداوند آنها را به یک بودن فراخوانده بود امروزه چطور عمل می‌کنند؟ زندگی‌هایی از هم گسسته؛ زندگی‌هایی که شاید به هدف آزاد شدن از هم فرو می‌پاشد و زندگی‌هایی که به سردی گرویده و جنگی سرد شکل گرفته است؛ اتاق‌هایی از هم جدا، افکاری از هم جدا، اهدافی از هم جدا و باز جدایی...

جامعه‌ای که زنان برای حقوق خود می‌جنگند تا به مردان ثابت کنند برتر هستند؛ چقدر از هدف اصلی دور شده‌ایم؟؟؟ تمامی این نیرو می‌توانست برای بهبود روابط به کار



گرفته شود، اما برای نفع خودمان صرف شد. ما هم در ناتوانی‌هایمان برده‌ایم و هم در توانمندی‌هایمان؛ پس آزادی حقیقی چیست؟ آزادی که ثمره‌اش بنا شدن و شادی‌ست. نه غم و افسردگی و از هم پاشیدگی.

حال که ماویمان را یافته‌ایم، تنها آغوش مطمئن را، و حال که دشمنان را شناخته‌ایم، پدر دروغ‌گوها را آیا می‌خواهیم در آزادی راستین قدم برداریم؟ آزادی که از درون ما شروع می‌شود و از ذهن ما. آزادی که ثمره آن سرکشی نیست بلکه اطاعت است، اطاعتی نه از روی ترس و وحشت بلکه اطاعتی از سر عشق.

پس بیایید در این سفر حرکت کنیم. لباس خداوند را بپوشیم و همچون فرزندان نور عمل کنیم و هدیه بخشش را از پدر دریافت کنیم و جامعه، پیشینیان، خانواده، همسر، فرزندان، خودمان و در آخر همه را ببخشیم. این که حق با کیست چه اهمیتی دارد؟ چون دنیا همیشه به ما حق می‌دهد، اما ما برای دریافت این آزادی و بخشش تصمیم گرفتیم که حق‌ها را به مسیح بدهیم. هیچ‌کس در فکر نفع خود نباشد، بلکه در فکر نفع دیگران باشد (اول قرن‌تین ۱۰: ۲۴). چقدر عمل به این قسمت از کلام سخت است، اما ثمر عمل به آن، ما را از خودمان آزاد می‌کند و فروتنی را به ارمان می‌آورد. وقتی از او که حیات می‌بخشد دریافت کنیم به آسانی قادر به بخشیدن هستیم و این میسر نمی‌شود مگر اینکه از خودمان رها شویم و انسانیت کهنه ما بمیرد. آن زمان از منبعی که تمام نشدنی‌ست دریافت می‌کنیم و آزادانه بدون نگرانی می‌بخشیم، چون امید و توکل ما بر خدایی است که ما را به آرامی فرا می‌خواند و برای ما می‌جنگد.

او در ما بر علیه تمام آنچه در برابر شناختش قدم عَلم کند

می‌جنگد. او باورهای دروغین را بیرون می‌ریزد و ما را از حقیقت و راستی خود پر می‌سازد.

بیایید برای یکدل شدن با خواهر و برادران، همسر و فرزندان، با خداوند و در اطاعت از خداوند قدم برداریم و در نظم روحانی او حرکت کنیم. اطاعت از خدا، اطاعت از رهبران؛ اطاعت از خدا و اطاعت از همسر.

«به‌خاطر احترامی که به مسیح دارید، مطیع یکدیگر باشید. ای زن‌ها، طوری از شوهران خود اطاعت کنید که از خداوند اطاعت می‌کنید، زیرا همان‌طور که مسیح سر کلیسا یعنی بدن خود می‌باشد و شخصاً نجات‌دهنده‌ی آن است، شوهر نیز سر زن خود می‌باشد. و چنانکه کلیسا مطیع مسیح است، زن‌ها نیز در هر مورد باید از شوهران خود اطاعت کنند.» (افسیان ۵: ۲۱-۲۴)

چطور خداوند از زنی که سرکشی به دلیل عدم دیده شدن در او شکل گرفته است اطاعت می‌خواهد؟ خدا می‌خواهد تا ما را از سرکشی آزاد کند و این بها دارد، برای اینکه آزاد حقیقی باشیم باید در کلام خداوند و در اطاعت باشیم و او ما را نیرو خواهد بخشید. بیایید امروز آشتی کنیم با خودمان، هویتمان، مردان و با جامعه و در این خدمت قدم برداریم تا صلح و سلامتی خدا را از درون همراه داشته باشیم و هر جا که قدم می‌گذاریم این صلح از درون به بیرون بریزد.

بگذارید روح‌القدس درون ما این حقیقت را شهادت دهد و این مسائل عمیق روحانی را برای ما باز کند و هر کدام در ملاقات خصوصی با خداوند هویت و جایگاه‌مان را در خداوند بیابیم و در آن مسیر حرکت کنیم.

مشارکت روح‌القدس با شما

تیم بانوان اسمیرنا

افق دعا

استان لرستان



هان بر در ایستاده می‌گویم. کسی اگر صدای مرا بشنود و در به رویم بگشاید، به درون خواهم آمد و با او همسفره خواهم شد و او با من. (مکاشفه ۳: ۲۰)

خداوند را شکرگزار هستیم که بار دیگر در این صفحه با ما همراه شدید تا همگی در اتحاد دست به دعا برداشته و از هر جای این کره‌ی خاکی برای فرزندان خداوند شفاعت کرده و برکات پدر آسمانی را به مردمان عزیز کشورمان ایران اعلام کنیم. در این شماره برآنیم سفری به استان لرستان داشته باشیم و با تمامی دل و جان دعا کرده و نجات و محبت خدا را به مردم این استان اعلام کنیم. نجاتی که بواسطه‌ی فیض عظیم خداوند و محبت بی‌انتهای خود و عدالت بی‌نقص‌اش برای ما به رایگان هدیه داده شد و حال نوبت ماست که دیگران را به این فیض دعوت کرده که کسی از این فیض بی‌نصیب نماند. پدر جان شکرت، عیسی جان شکرت، شکر

برای حضور، شکر برای اینکه با ما و در مایی...

پدر آسمانی در این لحظه با خانواده‌ی الهی همراه شده‌ایم و یکدل برای آسیب دیدگان و عزیزان داغ دیده که بر اثر حوادث سیل در این استان هم اکنون در غم و اندوه و نگرانی هستند دعا می‌کنیم. ای خداوند فریاد ناله‌ها و گریه‌هایشان را بشنو و به آنها قوت قلب بده... پدر آسمانیم، ای خدای قدوس، ای خدای محبت، ای که سرچشمه‌ی محبت از آن توست، به حضور آمده‌ایم و دستان خود را برافراشته و می‌طلبیم در نام یگانه پسر عیسی مسیح که تو آسمان لرستان را بگشایی و از آسمان، باران رحمت خودت را ببارانی و جاری کنی فیض و سلامتی‌ات را.

خداوند، ای پدر آسمانی؛ دل‌هایی که شکسته شده، خانواده‌هایی که بی‌سرپرست شده‌اند و هر کسانی که گمشده‌ای دارند را به حضور آورده‌ایم، آرامش تو ای خداوند بر اینان و این استان باشد، مسح نما و قلب‌هایشان

را لمس کن تا حقیقت تو را بشناسند.

عیسی جان ای خداوند از تو می‌طلبیم که فرزندان را ملاقات کنی و برکت دهی و نجات را بر آنان جاری سازی. خداوند می‌طلبیم حفاظت تو را برای خادمینی که در این استان خدمت می‌کنند و با قلب و جان و دل برای تو قدم برمی‌دارند و از کلام تو می‌گویند و هدایت می‌کنند مردم را به سمت تو تا نجات را دریافت کنند؛ می‌طلبیم که از حملات، بلا و لعنت به دور باشند و تو ای خداوند برکتشان بده و قوت قلبشان باش...

خداوند مسئولین این استان را به حضور می‌آوریم و می‌طلبیم که قلب آنان را لمس کنی؛ نور تو بر چشمانشان بتابد و قلب‌شان لمس شود که خواست و اراده‌ی تو ای خداوند بر زندگی‌شان جاری شود...

استان‌های همجوار را به حضور می‌آوریم، خداوند چشمی بینا و گوش‌ی شنوا بده که صدای تو را بشنوند و قلبشان از

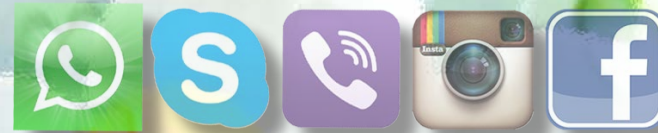
حضور تو ای خداوند پر شود و فیض و رحمت تو بر این

استان‌ها و کشور عزیزمان جاری شود.

خداوند تو نیرومندی و آسمان و زمین از آن توست. جهان را و هر چه را که در آن است تو بنیان نهادی، به فروش دریا فرمان می‌رانی و چون امواجش برخیزند آنها را فرو می‌نشانی، استان لرستان و شهرهای خرم آباد، ازنا، الیگودرز، بروجرذ، پل دختر، دلقان، درود، شهر سلسله و کوه‌دشت با مردمانی مهربان و غیور و صبور را به حضور می‌آوریم، آنها را از بلایا محافظت کن و برکت را بریز و قلب‌های مهربان آنها را لمس کن تا تو خدای حقیقی را بشناسند و در تو حیات جاودان داشته باشند و شکرگزار تو باشند.

در نام قدوست عیسی مسیح طلبیدیم، با شکر سپاس فراوان. آمین.

تیم دعا اسمیرنا



عظیم است نام تو عیسی، جلال بر نام تو عیسی، قدرت از آن توست عیسی، ستایم نام قدوست عیسی... سلام به پدر آسمانیم که هر چه هست از اوست. شکر که تو پدر من هستی، قادر مطلق و ابدی و ازلی، رب الارباب، خدای غیر ممکن ها که هر غیر ممکنی با تو ممکن می شود. شکر تو پدر جان...

در گوشه ای از اتاق نشسته ام و سکوتی مبهم اطراف مرا فرا گرفته، دلم هوای روزهای کودکی را کرده، دلم می خواهد مثل دیروز قاصدکی به دست بگیرم و آرزوهایم را به دستش بسپارم تا برای تو بیاورد.

دلم می خواهد دوباره تمرین کنم الفبای زندگی ام را که در میان این همه الفبا تنها توئی که حرف نداری. دفتر نقاشی ام را باز کنم و خط خطی کنم تمام آن روزهایی که دل شکستم و دلم را شکستند.

این بار اگر معلم گفت هر چه می خواهید بکشید من نردبانی بکشم به سوی تو و آرام بگویم شرح حال دلم را... خداوندم مگذار دغدغه های زمینی زمین گیرم کند. خوب می دانم که مرحم تمام دردها تو هستی، وفادارتر از تو سراغ ندارم و به همین رسم وفاداری تمام دغدغه ها را به حضور تو می آورم که هر چه خواست تو باشد و همان شود. دستانم را بگیر تا از این فراسوی تاریکی گذر کنم و به آسمان پر ستاره ی تو بیایم...

خوب می دانم هوای دلم را داری؛ وقتی تو را دارم غمی نیست. یک لحظه نشستن کنار تو، آرام گرفتن در آغوش تو و دل سپردن به رویاهای دل پسند عالم را عوض می کند... وجود دست توست خداوندم، آنقدر بی تو تنها هستم که بی تو یعنی هیچ، یعنی پوچ.

«خداوندم هیچ وقت رهایم نکن...» دخترت سمیه

باران، باز بارانِ محبت، می بارد از آسمان، می خورد بر افکار ما، می نوازد دل های ما، می گردد روان در اعمال ما، بدور از هر رنگ و ریا.

لبخند گل های بهاری، بر شبنم صبحگاهی، روز نو را آغاز می کند

چشم گشوده آسمان را می نگرد،

خورشید تابان چشمک می زند،

گل های نرگس با خنده عشق آفتاب را می خرد.

کوهستان همچو مرد پر غرور، دشت را نگهبان می شود،

جنگل در رود زلال آینه وار، وارونه می شود.

اینها همه از دست توست ای مسیح

خلقت همه گویای وصف توست ای مسیح

کیست که در زیبایی تو را ننگرد

گر تو را بنگرد، بی نیاز از هر دولتی است ای مسیح

تو، نگاهت بر من است

لطف و صفایت صد من است

تا تو را خوانم روح تو جاری شود

از پس سایه ها نور تو حامی شود

من چه خرسندم از این والا مقام

در تب و تابم از عشق بی حدِ شبان

ای خداوند بهر تو زیبا می سرایم

در نور فیض تو آرام می خرامم

آموختی بر من مسکین ز روح

چون تو هستی پر ز حکمت در کلامت

قلب و جانم چون تو گردد پاک از هر خطا

تا که باشم بهر تو آن فرزند دلربا

شایسته ای پدر

فریبا

اشک....

اشک هایم می چکند و صورتم را نوازش می کنند

چه هدیه زیبایی است که درونم را بیرون می ریزد...

گاهی از سر شکستن و درد...

گاهی از سر غم پنهان...

گاهی از سر توبه... و گاهی از سر عشق

عشقی که دست و پایش بسته است تا در معشوق

خود بیارامد. عشقی که در انتظار غوطه ور شدن است.

عشقی که فریاد می زند من تو را می خواهم. تنها تو را

می خواهم، تو برای من کافی هستی، آری تو مرا کافی

هستی.

گر چه او را ندیده اما چشیده ام، او را باور دارم که با

آغوشی باز مرا در پی خود می کشد و هر چه دارم را

حتی به پایش بریزم هیچ است.

به سمت او می دوم غافل از آنکه او ابتدا در پی من دوان

دوان آمده...

با اشک هایم پاهایش را می شویم با موهایم خشک

می کنم، غافل از آنکه او ابتدا پاهایم را شسته و با شال

کمر خشک کرده...

با تمام وجودم زانو می زنم و قلبم را به او تقدیم

می کنم... غافل از آنکه او پیشتر جاننش را برایم داده

است.

اوست که مرا در پی خود می کشد، او مرا می بوسد و

همه چیز را به من بخشید تا او را بشناسم، تا محبت او

را بچشم و همانند او عمل کنم...

در درونم شهری است از پیدایش تا...

او الف من و ی من هست، ابتدا و انتهای من

زندگیم کتاب مقدس است و روزهایم تاریخی که به بشر

گذشته

دروغم جلیات هست اما خداوند داوودش را فرستاد تا

جلیات ها را درهم شکند

دروغم موسی با قوم در حرکت است

دروغم ایلیاست

دروغم بلعام منتظر است

دروغم یحیاست

دروغم شهری است که هر روز خورشید طلوع و غروب

می کند، اوست که در رحم مادرم بر سطح آب ها مرا در

بر گرفت

اوست که با من بود و هست و خواهد بود... پیوسته...

من در مقابل محبت ازلی و ابدی او چه می کنم؟

المیرا

سلام و درودی دوباره به همه شما

در شماره قبل به شناخت انواع رنگ‌های روغنی، آکرولیک و... پرداختیم و در ادامه می‌خواهیم در مورد تاثیرات رنگ‌ها کمی صحبت کنیم. رنگ‌ها مستقیماً به روی احساسات انسانی تاثیر می‌گذارد و هر رنگی احساس انسان را تحریک می‌کند. برای القای حس‌های متفاوت باید آنها را شناخت.

قدرت: قوی ترین ترکیبات پر از هیجان و کنترل، همیشه ترکیبی از رنگ قرمز است. مهم نیست با چه رنگی ترکیب می‌شود. قرمز هیچ وقت نادیده پنداشته نمی‌شود. قرمز قوی و جسور است، در تبلیغات و نمایش‌ها، ترکیب رنگی قوی برای فرستادن پیام‌ها با پویایی و هوشیاری و قدرت است. قرمز سنبلی از احساسات انسان همچون عشق و نفرت می‌باشد.

ثروت: پر مایگی یک رنگ می‌تواند از ترکیب یک رنگ قوی با تیره بدست بیاید. همیشه قرمز تیره که از ترکیب قرمز و سیاه است با طلایی و همچنین سبز تیره که به جنگلی موسوم است در کنار رنگ طلایی القا کننده وفور نعمات است. این رنگ‌ها یک اثر دراماتیک و به یاد ماندنی بر ذهن به جای می‌گذارد.

رنگ‌های رمانتیک: قرمز به همراه سفید صورتی را ایجاد می‌کند. صورتی باعث بالا رفتن حس هیجان و علاقه در چشم بیننده است. اما در حالت ملایم و لطیف‌تر از قرمز. رنگ‌های صورتی و هلوئی حس لطافت و محبت آمیزی همچون به یاد آوردن روزهای رویایی و لذت دیدن منظرهای بهاری را القا می‌کند.

رنگ‌های زنده: سرزندگی و حرارت حس نیرومندی است که در رنگ نارنجی نهفته شده. اگر نارنجی‌ها را در کنار آبی فیروزه‌ای استفاده کنید تاثیر شگرفی از زنده بودن ایجاد کرده‌اید.

ظرافت: این حس زیبا را با استفاده از کمترین مقدار رنگدانه القا می‌کنند. کرم‌ها که از ترکیب مقدار بسیار کمی از رنگ‌ها با سفید می‌توان ساخت تنالیت‌های بسیار ظریف و لطیف که بیانگر حالتی کلاسیک است ایجاد می‌کند.

طراوت و تازگی: مقادیر مساوی از آبی و زرد سبز را به وجود می‌آورد. اگر سبز را در کنار اندکی قرمز استفاده کنید، همچون بوستانی از گل‌های قرمز حس طراوت و تازگی را به ببیننده القا می‌کند.

آسایش و آزادی: ترکیب روشن‌ترین رنگ از آبی و سبزرنگ فیروزه‌ای نام دارد. این رنگ حیطه و فضا را افزایش داده و گسترده‌تر نمایش می‌دهد به همین سبب القا کننده آسایش فراخی و رهایی است.

قابلیت اعتماد: قابل قبول‌ترین ته رنگ‌ها آبی سیر است. ترکیب بکار رفته از رنگدانه‌های آبی تیره پیوستگی و قابلیت اعتماد را تفسیر می‌کند و پیامی انکار ناپذیر از قدرت را انتقال می‌دهد.

حرفه‌های شغلی: در دنیای مشاغل رنگ با دقت ارزیابی می‌شود. در دنیای مد و حرفه مفهوم خاکستری و تن‌های مشکی پیام وقار و هوشیاری با حداقل خلق و خو را همراه دارد. این رنگ‌ها فاقد خصوصیات شخصیتی هستند.

عزیزان همراه با نگاهی به دنیای رنگ به عظمت خالق و آفریننده هستی پی‌می‌بریم. باشد که شکرگزار تک به تک اجزای این هستی باشیم. امید اینکه با بهره‌گیری از این اطلاعات بتوانید آثاری بنا بر خلاقیت منحصر به فردتان و به جهت جلال نام خداوند ایجاد کنید.



جواب سوالات تك كلمه‌ای شماره ۳۶ «کتاب عاموس»

- ۱- یهودا. (معرفی کتاب)
- ۲- چوپانی (معرفی کتاب)
- ۳- سده هشتم ق.م (معرفی کتاب)
- ۴- اسرائیل (معرفی کتاب)
- ۵- اعلام داوری خدا (معرفی کتاب)
- ۶- شنیدن کلام خداوند. باب ۸ آیه ۱۱
- ۷- دعوت به دینداری حقیقی (معرفی کتاب)
- ۸- نافرمانی‌هایشان. باب ۱ آیه ۳
- ۹- اسارت تمامی یک ملت. باب ۱ آیه ۶
- ۱۰- بنی عمون. باب ۱ آیه ۱۳
- ۱۱- موآب. باب ۲ آیه ۱
- ۱۲- رد کردن شریعت خداوند. باب ۲ آیه ۴
- ۱۳- طلبیدن و جستن خداوند. باب ۵ آیه ۴
- ۱۴- طلب بخشش عاموس. باب ۷ آیه ۲
- ۱۵- شاقول. باب ۷ آیه ۷
- ۱۶- خیمه‌ی داوود. باب ۹ آیه ۱۱
- ۱۷- دسیسه علیه یربعام و اسرائیل. باب ۷ آیه ۱۰
- ۱۸- خاندان یعقوب. باب ۹ آیه ۸
- ۱۹- نگذشتن از گناه اسرائیل. باب ۸ آیه ۲
- ۲۰- فراسوی دمشق. باب ۵ آیه ۲۷

کتاب اعمال رسولان

کتاب اعمال رسولان

سوالات تك كلمه‌ای «اعمال رسولان»

- ۱- پنطیکاست چه روزی است؟
- ۲- عید پنطیکاست چند روز پس از رستاخیز عیسی مسیح است؟
- ۳- روح‌القدس در چه روزی بر ایمانداران نازل شد؟
- ۴- نشانه‌هایی که هنگام ریختن روح خدا در روز پنطیکاست اتفاق افتاد چه بود؟
- ۵- تصور برخی از مردم در روز پنطیکاست نسبت به رفتار ایمانداران چه بود؟
- ۶- پطرس در پیامش به مردم یادآور شد که کدام نبی روز پنطیکاست را نبوت کرده بود؟
- ۷- پیغام پطرس به قومی که در روز پنطیکاست متحیر و سرگشته بودند، چه بود؟
- ۸- در روز پنطیکاست چند نفر بعد از شنیدن پیام پطرس تعمید گرفتند؟
- ۹- تعلیم پطرس و یوحنا در برابر شورای یهود چه بود؟
- ۱۰- پطرس در برابر سوال مشایخ و بزرگان قوم، دلیل شفا و تندرستی مرد علیل را چه کسی اعلام کرد؟
- ۱۱- چرا هفت شاگرد نیکنام برای خدمت به بیوه زنان برگزیده شدند؟
- ۱۲- استیفان پس از آنکه در برابر شورای یهود با پری روح‌القدس شهادت داد چه شد؟
- ۱۳- زمانی که سولس شفا یافت و بینایی خود را باز یافت، اولین کاری که کرد چه بود؟
- ۱۴- دعای استیفان هنگام مرگ چه بود؟
- ۱۵- واکنش مردم شهر سامره به بشارت عیسی و دور شدن ارواح پلید توسط فیلیپس چه بود؟
- ۱۶- سولس در قصد سفر به چه شهری را داشت که در طول مسیر بینایی خود را از دست داد؟
- ۱۷- دعای چه کسی سبب بازگشت بینایی به سولس شد؟
- ۱۸- خانواده‌ای رومی که خداوند در رویا به پطرس گفت به دیدارشان برود چه نام داشت؟
- ۱۹- از طرف سردار رومی چند نفر به دیدار پطرس فرستاده شدند؟
- ۲۰- سولس چند روز نابینا بود؟



www.instagram.com/smyrna_magazine_christian

www.facebook.com/smyrna.jubal.church

Smyrnamagazine

Omid sabooki or [smyrna_magazine_jubal band](http://smyrna_magazine_jubal.band)

smyrnamagazine@gmail.com

klisaye.izmir

@kelisayeizmir

(+1) 770 268 91 76

(+1) 770 268 91 76

>Designed by BiZkettE\ / Freepik page A
>Designed by Freepik page 2
Designed by xb100 / Freepik page 24
Designed by freepic.diller / Freepik page 24
Designed by macrovector / Freepik page 24
Designed by Freepik ,brgfx ,macrovector / Freepikpage 30



www.smyrna-magazine.com



SMYRNA



www.smyrna-magazine.com

Copyright ©2019 by Jubal Band

JUBAL BAND presents : The Monthly magazine in Persian that promotes the biblical faith and Iranian Christian culture
please contact with us by : (+1) 770-268 9176